

مطالعه مفهوم و ابعاد شهروندی دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران؛

دلالت‌هایی در برنامه ریزی آموزشی^۱

لطف اله ساعد موچشی^۲، جمال سلیمی^۳، نعمت اله عزیزی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۱

چکیده

هدف پژوهش مطالعه مفهوم، ابعاد و مصادیق شهروندی دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران از منظر اساتید و دانشجویان و ارتباط آن با عناصر برنامه ریزی آموزشی در این نظام آموزشی است. پژوهش از راهبرد کیفی بهره گرفته و با روش پدیدارشناسی تفسیری انجام شده است. مشارکت کنندگان در پژوهش شامل ۳۴ نفر از اساتید و دانشجویان (مقاطع مختلف) در دانشگاه های تهران، علامه طباطبایی، کردستان و بو علی سینای همدان بودند که به صورت هدفمند (به گونه ای که از رشته ها و تخصص های مختلف و همچنین گرایش ها و مقاطع مختلف تحصیلی در آن نمونه حضور داشته باشند) انتخاب و فرآیند جمع آوری اطلاعات تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و داده ها با استفاده از ابزار مصاحبه نیمه ساختارمند جمع آوری شد. با استفاده از روش همسوسازی، اعتبار داده ها مورد تأیید قرار گرفته است. جهت تحلیل داده ها از روش تحلیل مضمون و با استفاده از نرم افزار تحلیل کیفی MAXQDA استفاده شد. نتایج پژوهش شامل پنج مضمون فراگیر بود که عبارت از: مهارت‌های شهروندی دانشگاهی (کنشی-اجتماعی؛ دانشی-فنی و سیاسی-مشارکتی)، مفهوم شهروندی دانشگاهی (شهروندی حقوقی-قانونی؛ دانش آموخته شهروندی؛ شهروندی دانشگاهی چندفرهنگه؛ شهروند علم گرا؛ شهروندی دانشگاهی مبتنی بر مکانیسم عرضه و تقاضا شهروندی دانشگاهی به مثابه یک مقوله اقتصادی؛ شهروندی فرهنگی)، ابعاد و مولفه های شهروندی دانشگاهی (آزادی آکادمیک؛ اخلاق حرفه ای و آکادمیک؛ ایفای نقش دانشگاه عامل؛ حق مشارکت اجتماعی و راهبری؛ انتقال هویت علم و پاسداشت آن)، آموزش شهروندی دانشگاهی (آموزش با نگاه تک ارزشی و آموزش بر مبنای بی طرفی ارزشی) و جوانب شهروندی دانشگاهی (حفظ و ارتقاء سرمایه های مولد شهروندی؛ حقوق مرتبط با شهروندی دانشگاهی و مسئولیت های شهروندی دانشگاهی) هستند.

واژه های کلیدی: شهروندی دانشگاهی، آموزش شهروندی، اساتید و دانشجویان، برنامه ریزی آموزشی نظام آموزش عالی ایران

^۱ این مقاله مستخرج از رساله دکتری در رشته برنامه ریزی توسعه آموزش عالی است.

^۲ دانشجوی دکتری رشته برنامه ریزی توسعه آموزش عالی دانشگاه کردستان slotfola@yahoo.com

^۳ دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، نویسنده مسئول j.salimi@uok.ac.ir

^۴ استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان N.Azizi@uok.ac.ir

مقدمه

با در نظر گرفتن سطح سرمایه‌گذاری عمومی در آموزش عالی در نظام‌های آموزشی انتظار می‌رود تا دانشگاه‌ها تعهد روشنی به فرهنگ شهروندی را از خود نشان دهند. این امر شامل ترغیب و آشناسازی دانشجویان به درک اهمیت شهروندی فعال از طریق برنامه‌ریزی‌های آموزشی است. به طور مثال این امر در قالب حرکت از سیستم برنامه‌ریزی آموزشی «دانشگاه تک‌نقشی» به سمت برنامه‌ریزی آموزشی مبتنی بر «دانشگاه چندنقشی»^۱ است. این امر برنامه‌ریزی‌های آموزشی را بیش از گذشته به نیازهای اقتصادی و تمایل روز افزون دانشجویان به «آموختن» به منظور «اشتغال» گره می‌زند (آستین^۲، ۲۰۰۳) البته این نکته را نباید فراموش کرد که در برنامه‌ریزی‌های نسل‌های نوین دانشگاهی کارکردهایی فراتر از این موضوع برای دانشگاه‌ها تعریف شده است و این نگاه که برنامه‌ریزی‌های آموزشی به منظور پیوند آموزش و اشتغال انجام می‌گیرد، متأثر از نگاه نسل سومی به دانشگاهها یعنی «دانشگاه‌های کارآفرین» است. در پارادایم‌های جدید، دانشگاه‌های نسل چهارم به دنبال ترسیم مسئولیت‌های اجتماعی برای آموزش عالی هستند. از مرور ادبیات پژوهش‌های مرتبط با کارکرد‌های نسل‌های دانشگاهی چهارگانه چنین استنباط می‌شود که مسئولیت‌های قابل انتظار دانشگاه، تربیت دانشجویان، بسط دانش و معلومات آنان، آموزش دنبال کردن حقیقت و توسعه توانایی‌های فکری و توسعه زندگی حرفه‌ای‌شان است. دانشگاه همچنین می‌تواند به دانشجویان در اتخاذ تصمیم‌گیری درباره زندگی شخصی آنان، آزادی و مسئولیت‌پذیری و انواع قوانین اخلاقی که می‌تواند راهنمای آنها باشد، کمک کند. در جریان این کارکردها، دانشگاه قابلیت‌های انتقادی دانشجویان برای حل مسائلی که در زندگیشان پدید می‌آید را به‌طور فعالانه توسعه می‌دهد (آرتور^۳، ۲۰۰۵: ۱). دانشگاه‌ها نهادهای اصلی تربیت شهروند عمومی و حرفه‌ای هستند. بررسی تاریخ آموزش عالی در گستره جهان نشان می‌دهد که تربیت شهروند مفید همواره از اهداف آشکار و ضمنی این سیستم‌ها بوده است. تقریباً تمامی نظام‌های آموزشی، برنامه‌های خود را در راستای ایدئولوژی، جهان‌بینی و فلسفه حاکم بر جامعه محلی و ملی تدوین کرده‌اند. با هرگونه تغییر در بافت اجتماعی، جهت‌گیری آموزش و تربیت شهروند نیز دچار تحول گشته است. امروزه اکثر دانشگاه‌ها و نظام‌های برنامه‌ریزی آموزش عالی نسبت به حفظ و ارتقای جامعه از راه آموزش دموکراتیک و تربیت شهروندان مسئولیت‌پذیر، صبور، صادق، دلسوز و قائل به مشارکت جمعی توجهی ویژه دارند. در دنیای مدرن، به‌طور معمول ارائه برنامه‌های آموزشی در آموزش عالی با این فرض بوده است که دانشجویان به شهروندانی نقاد، متفکر و اهل مشورت تبدیل می‌شوند که می‌توانند فهم و مشارکت سازنده‌ای در جامعه داشته باشند، و این «فرهنگ شهروندی» شامل ارزش‌های شخصی و دمکراتیک بنیادینی است که به مشارکت فعالانه دانشجویان در کسب و توسعه تجربیات آموزشی سنجش ناپذیر - در مقابل تحکم و القاء و تلقین - می‌باشد (آرتور و بوهلین^۴، ۲۰۰۵: ۷۹).

^۱ . Multiversity

^۲ . Astin

^۳ . Arthur

^۴ . Bohlin

شهروندی مقوله‌ای متزعزعه یا جدا از فرهنگ شهروندان نیست. از این رو، برای داشتن شهروند فعال، باید مؤلفه‌ها و معنای شهروندی، بر خواسته از فرهنگ شهروندان باشد نه صرف ملاحظات حقوقی یا تأکید یک‌سویه بر آرمان‌های ایدئولوژیک (فاضلی، ۱۳۸۶ به نقل از همتی و احمدی، ۱۳۹۳). در حوزه فرهنگ، شهروندی به مجموعه‌ای از پارامترها و متغیرهایی اشاره دارد که جزء کلیه‌ها و ویژگی‌های اصلی زیست اجتماعی هستند. این مفاهیم کلیدی همان مسئولیت‌پذیری شهری، قانونمندی شهروندان و هنجارپذیری از الگوهای شهروندی است (شربتیان، ۱۳۸۷ به نقل از همتی، کیانپور و اصلانی، ۱۳۹۳). آرتور (۲۰۰۵) معتقد است که با توجه به میزان سرمایه‌گذاری عمومی در آموزش عالی دو کشور ایالت متحده و انگلستان، انتظار است که دانشگاه‌ها تعهد شفافی به فرهنگ شهروندی نشان دهند. این امر شامل تشویق دانشجویان به درک اهمیت شهروندی فعال است، و همچنین کاوش آزاد و عقلانی در مورد دموکراسی می‌شود. اگرچه در آنجا (ایالت متحده و انگلستان) چند نوع فشار بر مؤسسات آموزش عالی وارد می‌شوند که نقش بازدارنده را در ایفای این وظیفه بازی می‌کنند. این فشارها عبارت است از حرکت «دانشگاه تک‌نقشی» به سمت «دانشگاه چند نقشی» است، که بر تخصص محدود فناورانه و تخصص‌گرایی دانشگاهی تأکید می‌کند، روندی که به تدریج بسیاری از برنامه‌های کارآمد اثربخش دانشگاهی را در حد یک کارآموزی حرفه‌ای تقلیل می‌دهد. این اتفاق به نوبه خود آموزش عالی را بیش از پیش به سمت نیازهای اقتصادی و تمایل روزافزون دانشجویان به «آموختن» به منظور «استخدام» گره می‌زند. اینجا انفکاک رو به افزایشی بین مشارکت/خدمت به جامعه و منش اخلاقی از یک سو و تخصص‌گرایی از سوی دیگر وجود دارد. در اینجا «دانش و مهارت» با «منش اخلاقی»^۱ جدا از هم در نظر گرفته می‌شوند. (آرتور، ۲۰۰۵: ۳).

«رفتار سازمانی شهروندی» اولین بار توسط ارگان و باتمن در سال ۱۹۸۰ میلادی به کار گرفته شد اما قبل از آنها افرادی همچون «کاتز و کاهن» با تمایز قائل شدن بین «عملکرد نقش» و «رفتارهای نوآورانه و خودجوش» در دهه‌ی هفتاد و هشتاد میلادی و قبلتر از آنها توسط «چستر بارنارد» با بیان مفهوم «تمایل به همکاری» در سال ۱۳۹۸ میلادی، این موضوع را مورد توجه قرار دادند. رفتار شهروندی سازمانی به مجموعه رفتارهای آگاهانه و اختیاری افراد اطلاق می‌گردد که دارای الزام اجرایی نیست و تحت تأثیر نظام رسمی پاداش‌دهی نیست، اما بر اثربخشی عملکرد سازمان تأثیر به‌سزایی دارد (ارگان^۲، ۱۹۹۸ به نقل از ابراهیم پور^۳ و همکاران، ۲۰۱۲). بعضی از رفتارهای شهروندی سازمانی عبارت‌اند از داوطلب شدن جهت انجام کارها و ماموریت‌های جمعی، ارائه پیشنهادهای جدید برای بهبود سازمان، ضایع نکردن حقوق همکاران، احترام گذاشتن به منافع فردی در مقابل منفعت شخصی، باور به رشد جمعی و ... (تعاونی گیلان^۴، ۲۰۱۲).

به منظور فهم اصطلاح «شهروندی دانشگاهی» برای دانشگاه مدرن، لازم است تا به صورت اجمالی مبانی رسالت‌های اجتماعی دانشگاه‌ها تبیین گردد. عموماً در کنار تدریس و پژوهش، «خدمت‌رسانی»^۵ یکی از سه

^۱. Moral Character

^۲. Organ

^۳. Ebrahimpour

^۴. Taavoni Ghilan

^۵. Service

اهداف تاریخی و مهم دانشگاه‌های موجود دنیاست (کامینگز^۱، ۱۹۹۸). این کارکرد دانشگاه‌ها همواره موضوع بحث‌ها و مجادلات نظری بوده است. به طور تاریخی، دانشگاه‌های انگلیسی (مؤسساتی مانند منچستر، لیورپول و بیرمنگام) در دوره ویکتوریای آخر، از طریق فعالیت‌های بشردوستان، تصمیمات دولتمردان محلی و همچنین کمک و اشتیاق صاحبان حرفه‌های مختلف جهت ارائه خدمت و پوشش نیازمندی‌ها و اولویت‌های جوامع محلی‌شان، پایه‌گذاری و ایجاد شده‌اند. آن‌ها همچنین امکان بهره‌مندی اعضای طبقه‌های متوسط، زنان و غیر مسیحیان انگلیسی زبان از آموزش عالی را فراهم ساختند (برویس مک فارلن، ۲۰۰۷). در ایالت متحده این پیشینه اجتماعی نشانه‌ای از بازگشت به سنت دانشگاه‌های قدیمی و ریشه دار در انگلستان است که در نیمه پایانی قرن نوزدهم ایجاد شدند و بورس‌های تحصیلی را به دیگران ارائه می‌کنند (یودا و نوجیما^۲، ۲۰۱۲). دانشگاه‌هایی مانند ویسکونسین و نبرسکا که متعهد به خدمت‌رسانی به جوامع محلی بودند و این مأموریت را از طریق انجام تحقیق در مسائل کاربردی جوامع محلی‌شان انجام می‌دادند.

اصطلاح «شهروندی دانشگاهی» موضوعی است که تفاسیر متعددی از آن وجود دارد. در تعدادی از دانشگاه‌های آمریکا، این موضوع به کدهای رفتاری و ارزش‌های مورد انتظار از دانشجویان دانشگاهی اشاره دارد. این‌گونه انتظارات به طور طبیعی به صداقت علمی، تعهدهای اخلاقی حضور در کلاس، و قبول استانداردهای رشته درسی و پیروی از دستورالعمل‌هایی است که به‌وسیله دانشکده یا دانشگاه تعیین می‌شود. بر این اساس شهروندی دانشگاهی به رفتاری گفته می‌شود که از دانشجویان انتظار می‌رود با رعایت آن‌ها به اعضای متعهد و سالم اجتماع دانشگاهی تبدیل شوند (برویس مک فارلن^۳، ۲۰۰۷؛ یودا و یوشیمورا^۴، ۲۰۱۱؛ به نقل از گوری^۵ و همکاران، ۲۰۱۴). این تعریف شهروندی دانشگاهی به وظایف، مسئولیت‌ها یا فضایل دانشگاهی اشاره دارد (شیلز^۶، ۱۹۹۷؛ وارد^۷، ۲۰۰۳؛ به نقل از مک فارلن، ۲۰۰۸). شهروند دانش‌آموخته، شهروندی در خدمت علم است و فضایل شهروند دانشگاهی، تربیت در فضای آکادمیک، تعهد به رسالت‌ها و ارزش‌های دانشگاه، پذیرش مسئولیت‌های ناشی از این موقعیت و توسعه حقوق شهروندی است (به نقل از نجاتی حسینی، ۱۳۹۶: ۳۹).

در نگاه جامع‌تر، شهروند دانشگاهی به آندسته از افراد دانش‌آموخته اطلاق می‌گردد که دارای ارزش‌های مشترک و شناخته شده بودن و به دنبال ارتباط دادن این ارزش‌ها به جهانی بزرگ‌تر هستند. این افراد ایده بین‌المللی شدن آموزش عالی و بسط ارزش‌های رایج و متداول نظام دانشگاهی را مطرح می‌کنند (منز^۸، ۲۰۱۲). هایگ^۹ (۲۰۰۸) اعتقاد دارد که اهداف بین‌المللی بودن آموزش عالی بار آوردن «شهروندانی است که

^۱. Cummings

^۲. Ueda & Nojima

^۳. Bruce Macfarlane

^۴. Ueda & Yoshimura

^۵. Gore

^۶. Shils

^۷. Ward

^۸. Menthe

^۹. Haigh

احساس جهان-وطنی « داشته باشند. امروزه جامعه بین‌المللی از آموزش‌های دانشگاهی اهدافی چون ارتقای تعلیم و تربیت برای توسعه تاب‌آوری و بردباری^۱ (ESD) و تعلیم و تربیت برای شهروندی دموکراتیک^۲ (EDC) را دنبال می‌کنند که در مجموع ارتقای جایگاه شهروند جهانی را طلب می‌کند (مهدی، ۱۳۹۴). پس می‌توان گفت که هدف آموزش عالی تربیت شهروند حرفه‌ای چند فرهنگی است که بتواند به طور موازی در پی کسب هویت فرهنگی خود و نیز حل مسائل انسان(جهانی) باشد. بر اساس نظر گری هاپکینز برای رسیدن به این هدف لازم است در برنامه‌های درسی، آموزش «صداقت، دلسوزی، احترام، مسئولیت‌پذیری و شجاعت» برای تربیت شهروندان حرفه‌ای چندفرهنگی مبنا قرار گیرد(نجاتی حسینی، ۱۳۹۶، ص ۲۸).

جوامع اروپایی، از طریق تعلیم و تربیت «سرمایه‌گذاری بلندمدت برای ارتقا ارزش‌های دموکراتیک حقوق انسانی، بردباری و کثرت‌گرایی فرهنگی» را دنبال کرده اند (انجمن اروپا، ۲۰۰۵: ۱). هدف تربیت شهروندی دموکراتیک(EDC) افزایش آگاهی‌بخشی، تلاش برای توسعه برابری‌های اجتماعی، توانایی تغییر اجتماعی و بسترسازی برای تحول اجتماعی است(به نقل از منز، ۲۰۱۲). این سیستم آموزشی سعی دارد به یادگیرندگان کمک کند نقش اثربخش در جامعه ایفا کنند، آگاه و مطلع شوند، به شهروندانی مسئول و متفکر تبدیل شوند و در مجموع شهروندانی آگاه به حقوق خود و همچنین متوجه وظیفه‌شان باشند(های، ۲۰۰۸). یو- تایوات^۳ و همکاران(۲۰۱۷) معتقدند که نهادهای آکادمیک مکانهایی هستند که ذهن و رفتار جوانان در آنجا پرورش می‌یابد. به گونه ای که طی مدت تحصیلات، رفتارهایی مطلوب مانند رفتارهای شهروندی دانشگاهی(UCB^۴) در آنان شکل می‌گیرد. طی این تجربه شهروندی، دانشجویان از یک بینش وسیع تری برخوردار خواهند شد که به آنها کمک می‌کند تا برای تبدیل شدن به اعضای مولد جامعه و آماده شدن برای نقش‌های آینده خود، تجارب ارزشمندی کسب کنند.

با کاوش در ادبیات موضوع و پیشینه پژوهشی مرتبط با این موضوع متوجه می‌شویم که تحقیقات بسیار کمی در این زمینه و در داخل کشور انجام پذیرفته است. همچنین آنچه که در این زمینه وجود دارد، تحقیقاتی است که در ارتباط با بررسی مولفه‌های شهروندی سازمانی در دانشگاه انجام شده است. در این میان می‌توان به موارد زیر اشاره داشت. جمالی اختر و همکاران(۱۳۸۸) در پژوهشی که در بین اعضای هیات علمی دانشگاه آزاد (با حجم نمونه ۳۹۷ نفر) انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که متغیرهای رضایت شغلی و تعهد سازمانی بر رفتار شهروندی دانشگاهیان تأثیر مثبت دارد. نبوی و همکاران(۱۳۸۸) در مطالعه خود به این امر اشاره داشتند که نگرش مثبت نسبت به ارزش‌های عام، ارزش‌های دموکراتیک، مشارکت، آینده‌نگری و برنامه‌ریزی با میزان احساس شهروندی رابطه دارد و این شاخص‌ها می‌تواند سطح بالای شهروندی را تضمین نماید. شیانی و داوودوندی(۱۳۸۹) نشان دادند که میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان یکسان نبوده

^۱. Education for Sustainable Development (ESD)

^۲. Education for Democratic Citizenship (EDC)

^۳. U-thaiwat

^۴. University Citizenship Behavior

است و در میان ابعاد مختلف حقوق شهروندی، بیشترین میزان آگاهی مربوط به بعد جنسیتی و نیز کمترین آن مربوط به بعد مدنی حقوق بوده است. همچنین بین میزان آگاهی‌های اجتماعی و نگرش‌های دانشجویان نسبت به موضوعات مختلف با میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معنادار وجود داشته است. تحقیقات دیگر نشان می‌دهد که کاهش استرس شغلی، وجود عدالت سازمانی و فرهنگ سازمانی مشوق جمع‌گرایی و نیز خصوصیت فردی کارکنان از جمله شخصیت، کانون کنترل و ... بر روی میزان بروز رفتار شهروندی سازمانی توسط کارکنان اثرگذار بوده است و توجه به هر یک از این ابعاد و فاکتورهای کلیدی و تلاش در جهت تقویت و حمایت از آنها توسط مدیران می‌تواند موجب اشاعه هر چه بیشتر این رفتارها و در نتیجه بهبود عملکرد سازمان شود (سهرابی زاده و همکاران، ۱۳۸۹؛ فیضی و عمادی، ۱۳۸۹). در پژوهش دیگر محققان نتیجه گرفتند که میزان آگاهی دانشجویان دانشگاه از حقوق شهروندی خود در سطح ضعیفی قرار دارد. آنها در بررسی مقایسه‌ای بین میزان آگاهی دانشجویان دختر و پسر از حقوق شهروندی نیز تفاوت معناداری مشاهده نشده نکردند (شریفی و اسلامیه، ۱۳۹۱). کلدی و پوردهاند (۱۳۹۱) چنین نتیجه گرفتند که متغیرهای مستقل، میزان تحصیلات و رشته تحصیلی هم بر متغیر وابسته آگاهی از حقوق شهروندی و هم بر متغیر وابسته نگرش نسبت به حقوق شهروندی دانشجویان تاثیر داشته و هرچه میزان تحصیلات بالاتر باشد، آگاهی بیشتر و نگرش به حقوق شهروندی بهتر می‌شود.

پژوهشهایی که در حوزه رفتار شهروندی در دانشگاهها انجام شده است نشان می‌دهد که رفتار شهروندی سازمانی شامل رفتاری کاملاً داوطلبانه است که نظام پاداش دهی، به طور مستقیم قابلیت شناسایی آن را ندارد ولی در مجموع عملکرد مثبت را در سازمان افزایش می‌دهد، می‌تواند منجر به بهبود عملکرد سازمانی در دانشگاه در حوزه‌های مختلف آموزشی، پژوهشی، فناوری و همکاری‌های بین‌المللی، مدیریت منابع انسانی، فناوری اطلاعات و ارتباطات و غیره گردد (رمضانی و همکاران، ۱۳۹۲؛ سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۳؛ صمدی و همکاران، ۱۳۹۵). رزقی شیرسوار و همکاران (۱۳۹۵) نشان دادند که نتایج حاصل از اجرای مدل ساختاری نشان می‌دهد، بین متغیرهای رفتار شهروندی سازمانی، هوش معنوی، هوش هیجانی و سازگاری شغلی رابطه مثبت وجود دارد. سالاروند و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود نتیجه گرفتند که بین جو سازمانی با رفتار شهروندی و تمامی ابعاد آن رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. هم چنین جو سازمانی به میزان ۱۴ درصد بر رفتار شهروندی سازمانی تاثیرگذار بود. آنها تاکید دارند که استقرار جو مناسب و مورد رضایت کارکنان بر فضای سازمان‌ها موجب بروز رفتارهای شهروندی همچون انجام مسئولیت‌های فرانشی، خود جوش و داوطلبانه از سوی کارکنان خواهد شد که در نهایت می‌تواند در موفقیت سازمان‌ها تاثیرگذار باشد.

بخش مهم ادبیات شهروندی دانشگاهی را منابع لاتین تشکیل داده است که از جهت نظری و تجربی آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم. تالکوت^۱ در بررسی تاریخچه شهروندی در دانشگاه، به گزارش کمیته دوازده نفره دانشگاه هاروارد درباره عناصر ضروری آموزشی و فرهنگی برای جامعه دموکراتیک نوین در ارتباط با آموزش

۱. Talcott

عالی اشاره کرده؛ و در پایان جدیدترین مدل شهروندی خوب را در قالب مولفه هایی چون مقدار آزادی افراد، رشد عقلانی، انتخاب های آگاهانه و نقش اراده افراد در ساخت «جامعه آزاد» از طریق تعهدات ترسیم می کند؛ که این امر برای دانشگاه ها الزاماتی ایجاد کرده است (تالکوت، ۲۰۰۵: ۱۰-۱۱). آلیس چو^۱ (۲۰۰۳) در پاسخ این پرسش که دانشگاه های ما چه نوع انسانی را تربیت کنند، تأکید می کند که دانشگاه ها نباید دل خوش به صدور مدارک تحصیلی باشند، بلکه باید شهروندان حرفه ای برای زندگی تربیت کنند که به ایجاد تغییر و دگرگونی در جامعه بپردازند و دانش، مهارت و بینش خود را با افراد جامعه و کل جامعه شریک شوند. کاهن^۲ و همکاران (۲۰۰۴) در پژوهشی بیان کردند که خدمات شهروندی دانشگاهی مجموعه ای از کارکردها و فعالیت ها همچون تعهد به خدمت به اجتماعات تخصصی دانشگاهی (انجمن ها، گروه ها، کمیته های تخصصی و ...)، توجه به رشد منش و کنش مدنی در بین افراد دانشگاهی و تسری دادن آن به جامعه کلی تر، مشاوره دادن به یک خیریه محلی یا یک نهاد جهانی و بین المللی است (قورچیان و افتخارزاده، ۱۳۸۵ به نقل از نجاتی حسینی، ۱۳۹۶: ۴۸).

استفانز^۳ (۲۰۰۴) در مقاله ای با مضمون «شهروندی دانشگاهی در دانشگاه» به گسترش مفهوم «شهروند دانشگاه» کمک کرده است. به زعم وی شهروند دانشگاه، متعهد بودن یک عضو هیئت علمی به آگاه شدن از سازوکار دانشکده و دیپارتمان محل خدمت و تلاش برای تقویت و توسعه آن به عنوان وظیفه ای مدنی است. تامپسون^۴ و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهشی نشان دادند که اعتماد افراد به مافوق خود به روی سطح رفتار شهروند سازمانی آن ها تأثیر می گذارد و اعتماد به مافوق رابطه بین قضاوت سازمانی و رفتار شهروند سازمانی را تعدیل می کند و همچنین اعتماد به مافوق در دانشگاه هایی که سطح عدالت سازمانی آن ها بالاست، نسبت به سایر دانشگاه ها بیشتر است. آرون ام کانتز^۵ (۲۰۰۶) به این نتیجه رسیده است که سیاست ورزی در کلاس درس؛ مشارکت فعال در جامعه با هویتی دانشگاهی و داشتن موضع آکادمیک نسبت به موضوعات اجتماعی- فرهنگی؛ تلاش برای ایفای نقش آگاه سازی سیاسی، خوانش روایت های سیاسی، تدوین مدنی مطالبات سیاسی، شکل دادن به عمل سیاسی؛ تلاش برای شکل دادن و راهبری گفتمان های سیاسی؛ تبدیل دانشجویان به شهروندان فعال و متعهد نسبت به دانشگاه به مثابه اجتماع محلی و جامعه به مثابه اجتماع ملی؛ از مقوله های شهروندی دانشگاهی هستند. مک فارلن (۲۰۰۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که مفهوم «شهروندی دانشگاهی» منعکس کننده تعاریف متنوعی از اهداف مدنی دانشگاهی است. وی در این مقاله معنای دو مفهوم «خدمات» و «شهروندی دانشگاهی» و اجتماعاتی که دانشگاه به آن ها خدمت ارائه می دهد مانند دانشجویان، همکاران، نهادها، دیپارتمان ها و حرفه ها را توضیح داده است. وی هرم خدمت را ابداع کرده است که به عنوان ابزاری توانا و ذهنی به ما کمک می کند تا نقش دانشگاه ها را در خدمات رسانی به جامعه های همکنش درک کنیم.

^۱. Alice Chu

^۲. Kahne

^۳. Stephens

^۴. Thampson

^۵. Kuntz

اتیار و همکاران^۱ (۲۰۱۰) در پژوهش خود چنین بیان کرده اند که ابعاد شهروندی دانشگاهی در وهله اول به معنای رسمی یعنی عضویت در دانشکده و دپارتمان و انجام وظایف مشخص و در معانی دیگر، عبارت است از کمک کردن به همکاران، مراقبت از آنان، یاری‌رساندن و حمایت معنوی از خدمات و تلاش‌های آنان و حمایت از کادر اداری، مالی و ستادی دانشکده..

فونگ^۲ (۲۰۱۱) بیان می‌کند که سیاست‌های شهروندی و تحصیلات تکمیلی در شورای اروپا، قادر به تطبیق و همراه کردن حوزه عمومی مربوط به اروپای امروز و موقعیت خاص سیاسی- اجتماعی مرتبط با پیرامون خود نیست؛ بنابراین در بعضی موارد سیاست‌های فعلی پیونددهنده شهروندی و تحصیلات تکمیلی، مغایر با ساختار زندگی شهروندان اروپایی عمل می‌کند. ارتباط بین شهروندی و تحصیلات تکمیلی به یک مفهوم مهم در گفتمان اروپایی تبدیل گردیده است. یودا و یوشیمورا^۳ (۲۰۱۰) و یویدا و نوجیما^۴ (۲۰۱۲) در پژوهش‌های جداگانه نشان دادند که عدالت رفتار معلم و مربی بر رفتار شهروندی دانشگاهی در کلاس درس تأثیر مثبت داشته است. آنها رفتار مشارکتی دانشجویان را در دانشگاه به نام رفتار شهروندی دانشگاهی نام‌گذاری کرده‌اند. برای آن سه انگیزه را مورد ملاحظه قرار داده‌اند. نخست برچسب و نشانه فارغ‌التحصیلی دانشگاهشان را بگیرند. دوم هنگامی که دانشجویان در دانشکده هستند، آن‌ها فرصت‌های زیادی برای تعامل با اساتید، دوستان و دانشجویان غریبه در دانشگاه دارند؛ و بالاخره دانشجویان گرایش دارند به ارتباط رهبرانی با اساتیدشان؛ (نوعی ارتباط عمودی، به گونه ای که گاه‌گاهی آن‌ها احساس مسئولیت اطاعت از مافوق و اساتیدشان را دارند.

تایمی^۵ و همکاران (۲۰۱۴) در خصوص شهروندی دانشگاهی و ارتباط آن با آزادی آکادمیک، چنین اشاره دارند که یکی از مهم ترین مولفه های شهروندی دانشگاهی برخورداری از اخلاق آکادمیک است که این امر ارتباط ناگسستنی با مقوله آزادی آکادمیک دارد. همچنین بعد مهم این موضوع هم دسترسی آزادانه به فرایندهای اطلاعاتی و تلاش برای تسری این آزادی به سایر بخش های جامعه است. گوری^۶ و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی به موضوع رفاه و ارتباط آن با مفهوم شهروندی دانشگاهی پرداخته اند. آنها چنین بیان می کنند که موضوع رفاه تامین کننده فعالیت جهت تحقق سایر مولفه های شهروندی همچون آزادی اندیشه، آزادی تحقیق و پژوهش، توجه به مسائل اجتماعی و مهم تر از همه این موارد، آزادی فکر برای پرداختن به رسالت های آکادمیک است. دگفا^۷ (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی فهم اعضای هیات علمی از آزادی آکادمیک پرداخته است. او در این مقاله به بررسی مفهوم آزادی آکادمیک و ارتباط آن با شهروندی دانشگاهی پرداخته است. نتایج پژوهش وی نشان می دهد که آزادی آکادمیک شرط پیشرفت در مقوله شهروندی دانشگاهی است همچنانکه آزادی در جامعه هم پیش شرط دستیابی به حقوق شهروندی است. اینلنن و همکاران (۲۰۱۷) در

^۱. Ehtiyar

^۲. Fong

^۳. Ueda & Yoshimura

^۴. Ueda & Nojima

^۵. Tierney

^۶. Gore

^۷. Degefa

پژوهش خود اشاره دارند که موارد زیر از منظر اساتید دانشگاه جزء مولفه های شهروندی دانشگاه است: حقوق و آزادی های شهروندی خودگردان و خود تنظیم کننده؛ آزادی و حراست علمی؛ خودگردانی؛ ارتقاء رفاه جمعی. یو- تایوات^۱ همکاران (۲۰۱۷) در تلاش برای ساخت مقیاسی برای سنجش رفتار شهروندی دانشگاهی، ابعاد این شهروندی را اینگونه بر می شمارند: نوع دوستی^۲؛ فضیلت مدنی^۳؛ وجدان کاری و تعهد اخلاقی و حرفه ای^۴؛ ادب و نزاکت^۵؛ خوش نیتی در مراودات علمی^۶؛ اشتیاق به علم و روحیات آکادمیکی^۷؛ روابط بین فردی^۸. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی و مطالعه وضعیت شهروندی دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران است. برای این کار تلاش می شود تا ابعاد و مؤلفه های شهروندی سازمانی شناسایی، طبقه بندی و مضمون پردازی شود و در نهایت مدل مورد نظر ارائه گردد. به عنوان بخشی از کار، در این مقاله کوشش شده تا به این سوال پاسخ داده شود: مصادیق، ابعاد و مؤلفه های شهروندی دانشگاهی کدامند؟

روش پژوهش:

پژوهش حاضر از نظر هدف جزء پژوهش های کاربردی و براساس رویکرد، از نوع مطالعات کیفی است. روش پژوهش، پدیدارشناسی تفسیری است. مشارکت کنندگان این پژوهش از میان اساتید و دانشجویان چند دانشگاه کشور (کردستان، همدان، تهران و علامه طباطبایی) انتخاب شدند. این دانشگاه ها بر اساس دو مقوله قدمت (هم دانشگاه های جدید و هم قدیمی کشور) و همچنین بر اساس مقوله منطقه ای (مرکز و پیرامون) انتخاب شدند. مشارکت کنندگان در بخش کیفی ۳۴ نفر بودند که جهت انتخاب نمونه مورد نظر، از روش نمونه گیری هدفمند (از نوع نظری) بهره گرفته شد.

جمع آوری و تحلیل یافته ها در بخش کیفی، به صورت مداوم و همزمان بود. روش اصلی جمع آوری داده ها، مصاحبه ساختاریافته با سوالات باز بود و این امکان را برای شرکت کنندگان فراهم می کرد که تجربیات خود را در مورد پدیده تحت بررسی به طور کامل توضیح دهند. این نوع مصاحبه، به دلیل انعطاف پذیر و عمیق بودن، مناسب پژوهش های کیفی می باشد. قبل از شروع مصاحبه، از مشارکت کنندگان جهت ضبط مصاحبه ها اجازه گرفته؛ و هدف پژوهش نیز، برای آنان شرح داده شد، همچنین در خصوص محرمانه بودن اطلاعات به آنان اطمینان داده شد. طول مدت مصاحبه های انجام شده به صورت حضوری و تماس تلفنی، بین ۳۸ تا ۷۰ دقیقه براساس حوصله و تحمل مشارکت کننده، متغیر بود. اشباع یافته ها، با ۳۴ مشارکت کننده حاصل شد. مدل مورد استفاده جهت جمع آوری اطلاعات در بخش کیفی پژوهش، پدیدارشناسی تفسیری است. معیار ادامه ی پژوهش رسیدن به اشباع نظری بود. هر چند

^۱. U-thaiwat

^۲. Altruism

^۳. Civic virtue

^۴. Conscientiousness

^۵. Courtesy

^۶. Sportsmanship

^۷. Enthusiasm

^۸. Inter-personal relations

در مصاحبه سیم، اشباع نظری داده‌ها حاصل شد اما به منظور اعتباربخشی یافته‌ها، مصاحبه‌ها تا سی و چهارمین نفر ادامه یافت. جهت تحلیل داده‌ها در بخش کیفی از روش تحلیل مضمون و با استفاده از نرم افزار MAXQDA استفاده شد. این روش به صورت‌های گوناگونی قابل اجرا است که از میان آن‌ها، روش شبکه‌ی مضامین^۱ مورد استفاده قرار گرفت. شبکه‌ی مضامین براساس روندی مشخص، پایین‌ترین سطح قضایای پدیده را از متن بیرون می‌کشد (مضامین پایه)، سپس با دسته بندی این مضامین پایه‌ای و تلخیص آنها به اصول مجردتر و انتزاعی‌تر دست پیدا می‌کند (مضامین سازمان-دهنده)، در قدم سوم این مضامین عالی در قالب استعاره‌های اساسی گنجانده شده و به صورت مضامین حاکم بر کل متن درمی‌آیند (مضامین فراگیر) (اترید- استیرلینگ^۲، ۲۰۰۱، ۳۸۹). براین اساس، داده‌های حاصل از مصاحبه، با استفاده از روش تحلیل مضمون و به صورت توصیفی-تفسیری مورد پردازش قرار گرفت. سپس با مراجعه مجدد و مرور مصاحبه‌های صورت گرفته، چارچوب نهایی مفهوم «شهروندی دانشگاهی» تدوین شد. شکل ۱ الگوی کدگذاری این مطالعه پدیدارشناسی است. برای بررسی روایی در بخش کیفی، از روش همسوسازی استفاده شد که شامل به کارگیری شیوه‌های مختلف گردآوری داده‌ها، استفاده از منابع متعدد، نظرات تحلیلگران و نظریه‌هایی است که به منظور بررسی اعتبار یافته‌های پژوهش به کار برده می‌شود (بورگ و گال، ۱۳۹۴، ۴۱۲).



شکل ۱: الگوی کدگذاری یک مطالعه پدیدارشناسی (به نقل از Creswell & john, ۲۰۰۷)

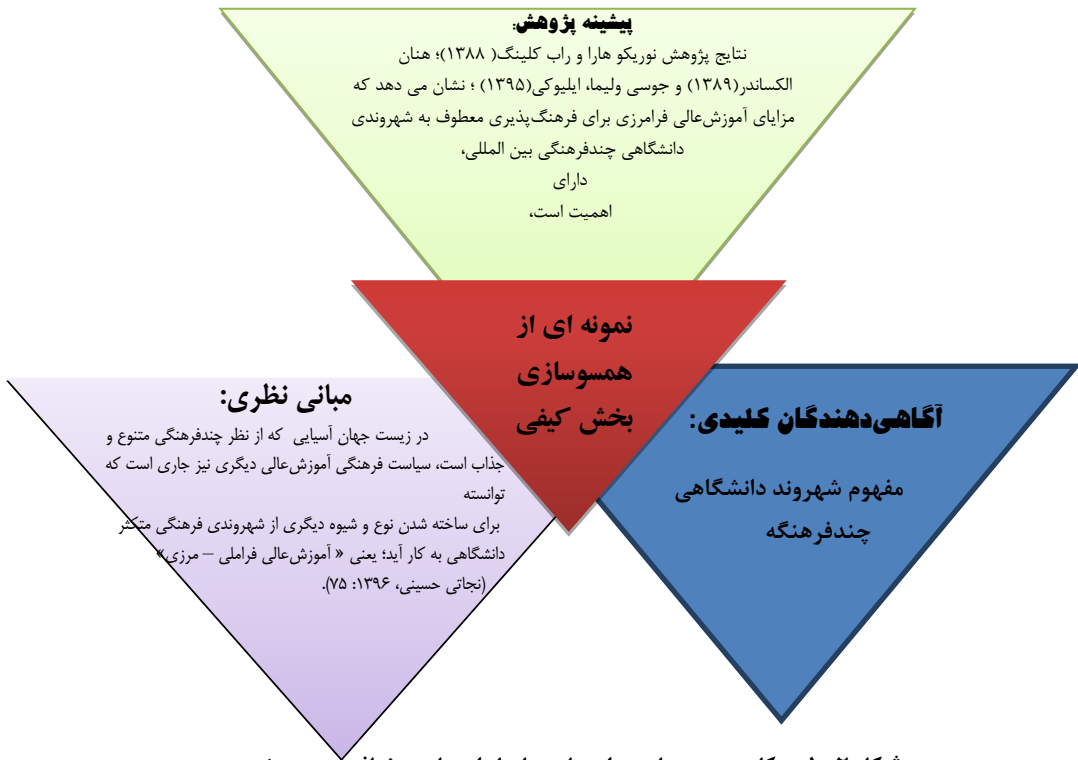
در این پژوهش نیز برای طراحی مفهوم شهروندی دانشگاهی با فرایند همسوسازی، مشتمل بر سه مرحله (۱) جمع‌آوری مبانی نظری، اصول زیربنایی مربوط به مفهوم شناسی شهروندی دانشگاهی، (۲) بررسی پژوهش‌های انجام شده در حوزه شهروندی دانشگاهی و (۳) بهره‌گیری از نظر آگاهی‌دهندگان کلیدی به کار گرفته شد (شکل ۲). جهت اطمینان از پایایی کیفی چارچوب اولیه نیز، از آزمون قابلیت اعتماد (اطمینان‌پذیری) استفاده شد. برای حصول اطمینان از روایی پژوهش در بخش کیفی، اقدامات زیر انجام شد: اول تطبیق توسط اعضا که در آن برخی از مشارکت‌کنندگان گزارش نهایی مرحله نخست، فرایند تحلیل یا مقوله‌های به دست آمده را بازبینی کرده و نظر خود را در ارتباط با آن‌ها ابراز داشتند. دوم بررسی

■ اپوخه (تعلیق) اولین مرحله و درعین حال مهمترین مفهوم در روش پدیدارشناسی توصیفی هوسرلی محسوب می‌گردد. در مرحله تعلیق، انسان فقط با آن چیزهایی سروکار دارد که برای او ظهور می‌کند. پرداختن به این که در پشت چیزی که ظهور یافته جوهری نهفته است یا خیر؟ کاری عبث و بیهوده بشمار می‌رود. و نباید در پی اثبات یا رد آن برآید؛ چرا که هدف پدیدارشناسی، بررسی ماهیت پدیده است نه نظرات شخصی افراد.

^۱. Thematic Network

^۲. Attride-Stirling

همکار، که در آن اساتید دانشگاه کردستان و پنج تن از دانشجویان دکتری علوم تربیتی، به بررسی یافته‌ها و اظهارنظر درباره آن‌ها پرداختند. در روش تحلیل یافته‌ها با توجه به اینکه ثبت فوری یافته‌ها در این بخش لازمه‌ی کار پژوهشگر است، متن مصاحبه‌ها پس از چندین بار گوش کردن به صورت کلمه به کلمه، تایپ شده، و مورد تحلیل قرار گرفت. اطلاعات به دست آمده با روش کلاژی، تجزیه و تحلیل شد.



شکل ۲: طرح کلی همسوسازی داده‌های حاصل از منابع مختلف در پژوهش

یافته‌های پژوهش:

برای این منظور با استفاده از روش پدیدارشناسی به بررسی نظرات اساتید و دانشجویان پرداختیم. در ابتدا و با انجام مصاحبه‌ها و پیاده سازی متن، به مرحله استخراج کدها و مضامین حاصل شده در سه سطح مضامین پایه، سازماندهنده و فراگیر دسته بندی و منعکس گردید. که نتیجه آن را در جدول ۱ ملاحظه می‌کنید. در ادامه، مضامین و دسته بندی آنها ارائه و بر پایه روش همسوسازی تبیین شده است.

مضمون فراگیر ۱: مهارت‌های شهروندی دانشگاهی: این طبقه توصیفی شامل ۳ مضمون عمده

سازمان دهنده است که در نمودار ۱ ملاحظه می‌شود.

جدول ۱ نحوه‌ی شکل‌گیری مضامین (پایه، سازمان دهنده و فراگیر)

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
توانایی تفکر خلاق؛ تفکر انتقادی؛ توانایی نقد و مباحثه و مذاکره؛ برقراری ارتباط صحیح؛ توانایی قضاوت صحیح	مهارت‌های کنشی- اجتماعی	مهارت‌های شهروندی دانشگاهی
داشتن نگرش علمی و آکادمیک به جهان، جامعه و موضوعات آن؛ داشتن مهارت‌های روش ساختی علمی برای بررسی و مطالعه موضوعات؛ آشنایی با مسائل اجتماعی و چگونگی حل آنها به روش علمی	مهارت‌های دانشی - فنی	
حساسیت به موضوعات اجتماعی؛ داشتن انگیزه مشارکت در موضوعات و دخالت در حل مناقشات موجود در جامعه؛ احساس تکلیف اجتماعی و سیاسی؛ عمل به وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی	مهارت‌های سیاسی- مشارکتی	
حقوق، وظایف و مسئولیت‌های دانشجویان در منشورهای دانشگاهی بین المللی؛ حقوق، وظایف و مسئولیت‌های دانشجویان در منشورهای دانشگاهی ملی؛	شهروند دانشگاهی حقوقی- قانونی	مفهوم شهروندی دانشگاهی
فردی که دانش شهروندی را به جامعه منتقل می‌کند؛ فردی در خدمت علم؛ فردی که مسئولیت‌های شهروندی را می‌پذیرد	دانش آموخته شهروند	
احترام، حفظ و انتشار فرهنگ گروه‌های مختلف؛ مقابله با فرهنگ‌های تحمیلی سیاسی یا دولتی؛ احترام به آزادی عمل فرهنگی و نفی دگماتیسم فرهنگی	مفهوم شهروند دانشگاهی چندفرهنگی	
فردی که علاقمند به موضوعات علمی است؛ فردی که در خدمت محققان و پژوهشگران دانشگاهی است؛ شهروندی که با نگاه علمی ارزش‌های شهروندی و شهروند خوب بودن را حفظ می‌کند (یعنی شهروندی خوب با سواد مناسب)	شهروند علم‌گرا	
تمرکز بر دانش رسمی؛ تلاش برای تبدیل شدن به نیروی متخصص مورد نیاز جامعه؛ تلاش برای موفقیت در مشاغل خاص و ایفای نقش شهروند متخصص؛ تمرکز بر رویکرد تک بعدی و تک ساحتی (تخصص‌گرایی) در تعریف شهروند خوب	شهروندی مبتنی بر نظام عرضه و تقاضا	
مشارکت دانشگاه‌ها در امورات اجتماعی؛ ایفای مسئولیت اجتماعی توسط دانشگاه و دانشگاهیان؛ حساسیت دانشگاه به مولفه‌های اجتماعی (سیاست، اقتصاد، فرهنگ و ...؛)؛ دانشگاه کنشگر یا منفعل	شهروندی دانشگاهی به مثابه یک مقوله سیاسی	
برنامه‌های حمایت از دانشجویان به لحاظ تامین امکانات و تسهیلات در سطح ملی و جهانی	شهروند دانشگاهی اقتصادی	
الزام و پابندی به فرهنگ دانشجویی؛ الزام به فرهنگ آموزشی و پژوهشی دانشگاه؛ شهروند دانشگاهی - فرهنگی (بازتولید شهروندی در محیط‌های دانشگاهی و پاسداشت آن و تلاش برای انتقال آن به جامعه)؛ شهروند دانشگاهی و فرهنگی جهانی (انتقال و بازتولید فرهنگ در محیط جهانی و مبادله بین فرهنگی و چند فرهنگی)	شهروند فرهنگی	
آزادی دسترسی به اطلاعات؛ آزادی انجام پژوهش و تحقیق؛ آزادی از آقاء و تلقین؛ حفظ استقلال عمل نهاد دانشگاه؛ آزادی از خودسانسوری	آزادی آکادمیک	ابعاد و مولفه‌های شهروندی دانشگاهی
رعایت حقوق مولف و محققان؛ اعتقاد به منهج علم و تلاش برای توسعه آن پاسداشت این اندیشه؛ اعتقاد به همگانی بودن دانش و تلاش برای استفاده از آن برای رفاه عمومی؛ اعتقاد به روش و معیار علم در برخورد و ارتباطات دانشگاهی و تلاش برای تسری این اندیشه به کل اجتماع؛	اخلاق حرفه‌ای و آکادمیک	
دانشگاه باید چشم‌بینای جامعه باشد؛ دانشگاه باید دنباله‌رو جامعه نباشد بلکه خط‌سیر و تحول آن را ترسیم نماید؛ دانشگاه باید ارزیاب منصف،	ایفای نقش دانشگاه عامل (ناظر و ارزیاب)	

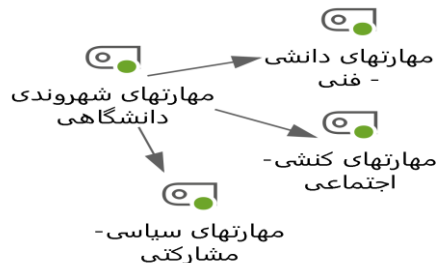
اجتماعی)	علمی و دقیق تحولات اجتماعی باشد؛ دانشگاه بایستی برا درد و آلام، معضلاتو مسائل اجتماع راه حل داشته باشد.
حق مشارکت اجتماعی و راهبری اجتماعی	جامعه بایستی پذیرای دانشگاه باشد؛ دانشگاه بایستی اثرات خود را در جامعه ببیند؛ دانش و آگاهی نیایستی در حصار دانشگاه باقی بماند؛ باید علم و نگاه علمی در لایه های اجتماع رسوخ کند؛ دانشگاه بایستی در امورات اجتماعی مشارکت فعال داشته باشد.
انتقال هویت علم و ویژگی های آن به اجتماع و پاسداشت آن؛	انتقال مهارت قضاوت دقیق و علمی در ارزیابی های اجتماعی؛ گسترش دادن هویت آکادمیک و انتقال آن به جامعه؛ نفی خشونت و تعریف معیارهای روشن برای قضاوت های اجتماعی؛ دعوت همگان به پاسداشت اندیشه علمی در مناسبات روزانه(اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، مدیریتی و ...)
آموزش شهروندی	محتوای مشخص و با رویکرد ارزشی غالب در آموزش شهروندی لحاظ نگردد؛ سوگیری ارزشی و مخالفت با عینیت گرایی
رعایت بی طرفی ارزشی در آموزش	اعتقاد به آموزش هنجارهایی که مورد پذیرش جامعه جهانی است.
جوانب شهروندی دانشگاهی	توسعه روحیه و نگرش علمی و به دور از تعصب و پیش داوری در جامعه؛ ترویج اندیشه قانونمداری؛ توسعه سرمایه های اجتماعی
حقوق مرتبط با شهروندی دانشگاهی	داشتن آموزش خوب؛ داشتن جو دانشگاهی در راستای پاسداشت ارزشهای شهروندی دانشگاهی؛ دسترسی به منابع آزاد؛ آزادی تحقیق و پژوهش؛ داشتن امکانات رفاهی؛ تضمین سلامت روحی و جسمی و امنیت آنها
مسئولیت مرتبط با شهروندی دانشگاهی	قانونمداری؛ توسعه بینش علمی در جامعه؛ حفظ حرمت حق و حقوق افراد مقابل؛ آگاهی بخشی اجتماعی؛ انتقاد سازنده و تلاش برای رفع مسائل اجتماعی؛ مددکاری اجتماعی و تلاش برای احیای ارزشهای مبتنی بر نگاه علمی - منصفانه و ارزشیابی محور

۱-۱- **مهارت‌های کنشی - اجتماعی:** در آموزش شهروندی، آموزش مهارت های زندگی و یادگیری آنها، پارامترهای اصلی رفتارهای شهروندی است و این امر به افزایش کیفیت زندگی جمعی و تقویت همبستگی اجتماعی می انجامد. آموزش اصول شهروندی از همان دوران اولیه رشد انسان به گونه ای است که او را درگیر مشارکت همه جانبه با اجتماع می کند؛ همچنین تصمیم گیری و قضاوت عادلانه و صحیح در روابط اجتماعی را آموزش می دهد و احترام متقابل را در بین افراد با هویت های قومی، زبانی، نژادی، فرهنگی و جنسیتی مختلف را به وجود می آورد.

یک فرد دانشگاهی، به جای دانش انباشته شده، بایستی دارای توانایی تفکر خلاق و همچنین مهارت تفکر انتقادی باشد.... این موارد تضمین کننده یک جامعه دموکراتیک خواهد بود اگر دانشگاه بتواند این را به جامعه هم منتقل کند...البته این در دانشگاه در قالب صعه صدر داشتن در بررسی دیدگاه های علمی و اندیشه های مختلف ظهور پیدا می کند(مصاحبه شونده ۲)؛ انسان دانشگاهی دارای قوه قضاوت درست است.... بینش علمی می طلبد که در قضاوت ها، معیار علم فراموش نشود(مصاحبه شونده ۷)؛ (مصاحبه شونده ۳ و ۱) ۳ نیز نظرات مشابه داشتند).

۱-۲- **مهارت‌های دانشی-فنی:** یکی از مهم‌ترین ابعاد زیست شهروند دانشگاهی، نگاه تیزبینانه توأم با بینش نظام مند به دنیا، جامعه و انسان و همچنین مناسبات انسانی است. او با این ظرز اندیشیدن، سعی در نمایاندن واقعیات و تصمیم‌گیری بر مبنای حقایق امور است. بینش او تابعی از استفاده از روش‌های قوی و مستدل، منطقی و قابل پیگیری در مناسبات فردی و اجتماعی خود است. وی پدیده‌ها را به خوبی فهم می‌کند و به صورت روشمند آنها را تبیین و فهم می‌نماید. در اینجا انتظارات اجتماعی هم از افراد دانشگاهی همین نوع رفتار کردن‌ها است. انتظار رفتارهای تکانشی، غیر علمی و سطحی را از این دسته از افراد نمی‌توان داشت.

ابزار یک شهروند دانشگاهی همان توانایی روش‌شناختی او برای فهم جهان است. او با این ابزار می‌تواند قضاوت صحیح داشته باشد چرا که روش و راهبرد علمی را در بررسی پدیده‌ها به کار می‌گیرد (مصاحبه شونده ۱) (مصاحبه شونده‌های ۲ و ۷ نیز نظرات مشابه داشتند)



نمودار ۱: مضامین سازماندهنده ابعاد مهارت‌های شهری-سیاسی-مشارکتی

۱-۳- **مهارت‌های سیاسی-مشارکتی:** دانشگاه‌ها مراکز فکر و اندیشه و قلب زندگی اجتماعی در دنیای مدرن هستند. این نهاد بایستی به تربیت افرادی بپردازد که توانایی راهبری و هدایت سیاسی و همچنین مشارکت در تصمیم‌گیری را در بخش‌های مختلف اجتماع (فرهنگ، سیاست، اقتصاد، تجارت و ...) را داشته باشد. این توانایی‌ها ممکن است باعث شود تا شائبه‌ی سیاسی بودن را برای دانشگاه‌ها مطرح نماید. بدون شک مهارت‌های مشارکتی لازمه تأثیرگذاری هر فرد دانشگاهی در اجتماع خود است. یک اقتصاددان زمانی می‌تواند به جامعه خود کمک کند که مهارت چگونگی مشارکت در شناسایی، حل و رفع مشکلات اقتصادی جامعه خود را داشته باشد. این امر در مورد یک جامعه‌شناس، یک وکیل، یک متخصص مدیریت و همه گونه‌های دیگر تخصص‌های دانشگاهی صدق می‌کند.

در نسل سوم دانشگاه‌ها ما می‌گفتیم که دانشگاه باید کارآفرین باشد... یعنی دانشگاه باید نیازهای جامعه را تشخیص و بر اساس آن شروع کند به پرورش انسان‌هایی که بتوانند این نیازها را پوشش و مرتفع سازند. (مصاحبه شونده ۲۱): در دو نسل اخیر دانشگاه‌ها در دنیا یعنی دانشگاه‌های نسل سوم و چهارم، تأکید می‌شود که دانشگاه باید راهبر جامعه باشد و این یعنی نه تنها بایستی نیازهای اجتماع را رسد کند بلکه باید

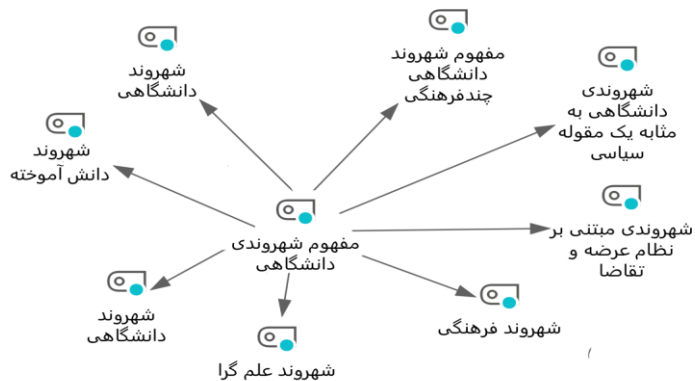
خود در تغییر و تعریف موضوعات اجتماعی دخالت داشته باشد. پس فرد دانشگاه همچنین فردی است که احساس مسئولیت اجتماعی در او رشد یافته و به وظایف خود عمل کند(مصاحبه شونده ۶)

مضمون فراگیر ۲: مفهوم شهروندی دانشگاهی: این طبقه توصیفی شامل ۷ مضمون سازمان دهنده است که در نمودار ۲ ملاحظه می شود.

۲-۱- شهروند دانشگاهی به عنوان «یک شخصیت حقوقی - قانونی»: آنچه بیش از هر چیزی در خصوص شهروند دانشگاهی، به ذهن متبادر می گردد، این است که افرادی که شهروندان این جامعه (دانشگاهی) هستند دارای حقوق و وظایف مشخصی هستند. این حقوق و وظایف در چارچوب جامعه دانشگاهی تعاریف و ابعادی دارد اما در ارتباط با بیرون از دانشگاه هم می تواند مطرح گردد. وظایف شهروند دانشگاهی در جامعه دانشگاهی در قالب وظایف قانونی و اداری تعریف می گردد. یک دانشجو، یک استاد، یک مدیر و یا یک کارشناس دارای وظایف مشخصی است که قانونی بوده و باید به انجام آن اقدام نماید.

دانشجویان، اساتید، مدیران، کارکنان و همه کسانی که با دانشگاه در ارتباط هستند دارای مجموعه وظایف، اختیارات، مسئولیت ها و حقوق هستند که آنها را می توان در قوانین مختلف مرتبط با وزارت علوم و همچنین فراتر از آن در قوانین و اسناد بالادستی مطالعه کرد(مصاحبه شونده ۲۳). بخشی از وظایف و مسئولیت های مربوط به شهروند دانشگاهی را می تواند در بعد حقوقی و در درون منشورهای ملی و همچنین در اسناد بین المللی پیدا کرد. در واقع این افراد در چارچوب قوانین خاص و بنا بر آیین نامه های مختلف دارای ویژگی های شهروندی هستند مثل هر شهروند دیگری در جامعه(مصاحبه شونده ۱۶)

۲-۲- دانش آموخته ی شهروند: این دسته از افراد شهروندانی هستند که به لحاظ دانش متفاوت از دیگر شهروندان عادی هستند. این تفاوت در دو بعد دانش و همچنین منش و بینش آکادمیک قابل تامل است. شهروند دانش آموخته با تکیه بر دانش خود به خدمت به جامعه اقدام می کند. این خدمت ممکن است در قالب ارائه خدمات تخصصی حاصل گردد و یا از طریق بالا بردن سطح فرهنگ اجتماعی و تلاش برای تغییر آن، نیز موثر واقع گردد. اما آنچه بسیار مهم است، آن است که بینش آکادمیک دارای همپوشانی بسیاری با اصول دموکراتیک است. تلاش برای احترام به ایده ها و نظریه های مختلف را می توان در محیط دانشگاهی تمرین کرد. پذیرش دیگری به عنوان یک هویت مستقل و با بینش و افکار متفاوت هم برای اولین بار در محیط دانشگاه تجربه می شود.



نمودار ۲: مضامین سازماندهنده گونه های مفهوم شهروندی دانشگاهی

فرد دانشگاهی انسانی فرهیخته و به اصطلاح دانش آموخته است اما در کنار آن یک شهروند هم هست. در اینجا می‌توان لقب تحصیلکرده شهروند را به او داد (مصاحبه شونده ۵) فرد دانشگاهی ابتدا یک دانش آموخته است و در کنار آن انتظار می‌رود وظایف شهروندی خود را در اجتماع کوچک دانشگاهی رعایت کند و بعداً تلاش کند آن را به جامعه بزرگ تر منتقل سازد (مصاحبه شونده ۱۰).

۲-۳- شهروند دانشگاهی چند فرهنگی: شاید دانشگاه تنها جایی است که انتظار می‌رود تا فرد بتواند در چارچوب آن بر تعصبات، پیش داوری‌ها و یا تعصبات در وجوه مختلف آن (فکری - اندیشه‌ای؛ نژادی-قومی؛ زبانی - تاریخی و ...) فایق آید. یکی از گونه‌های نگاه به زندگی آکادمیک تربیت و پرورش چنین افرادی با مشخصه‌هایی از این نوع است. تربیت شهروندانی با نگاه و اندیشه جهانشمول که به آراء و افکار گوناگون احترام و به دنبال مطرح کردن اندیشه‌های خود به صورت آزادانه و در فضایی دموکراتیک هستند، از جنبه‌های شهروند دانشگاهی در زمان اکنون است.

از دانشگاه انتظار می‌رود خود نماد و منادی آزاداندیشی باشد. به همین دلیل بایستی دانشگاه‌ها به فکر تربیت شهروندانی باشند که دارای حس احترام به فرهنگ‌های مختلف و مولفه‌های فرهنگی مردمان مختلف باشند (مصاحبه شونده ۱۲). شهروند دانشگاهی بایستی دنیا را در قالب یک جامعه ببیند که در آن آدمهایی با فرهنگ‌های گوناگون زندگی می‌کنند و در این جامعه بزرگ مهارت‌هایی که لازم است را آموزش ببینند... مهارت‌هایی که لازمه همزیستی و همدلی است به همین دلیل آموزش‌های مبتنی بر حس شفقت و همدلی باید در اولویت باشد. لذا انسان‌های با گرایش چند فرهنگی، نیاز امروز دنیاست و باید ما این را سرلوحه تربیت شهروندی قرار دهیم (مصاحبه شونده ۳).

۲-۴- شهروند علم‌گرا: شهروند دانشگاهی ضرورتاً در چارچوب دانشگاه کار نمی‌کند و یا ممکن است دانش آموخته دانشگاهی نباشد بلکه بعضاً شهروندان دانشگاهی کسانی هستند که از تفکر علمگرا و اندیشه احترام به دانش و دانشمند حمایت می‌کنند. این افراد فرهیختگان غیر دانشگاهی هستند که به فکر انجام خدمت به صاحبان فکر و اندیشه در جامعه هستند. شاید دلیل عمده این افراد از چنین حمایت‌هایی ایمان و اعتماد به تفکر علمی در مناسبات اجتماعی است، چرا که آنها افراد عالم را به عنوان خادمان به فکر و اندیشه و آزاداندیشی و تعصب زدایی از جامعه می‌بینند. آنها به افراد دانشگاهی به عنوان پاسداران فرهنگ تسامح و تساهل در جامعه نگاه می‌کنند.

بخشی از معنای شهروندی دانشگاهی اشاره دارد به افرادی که دانش آموخته دانشگاهی نیستند اما شهروندانی هستند که به جایگاه علم و عالم و اندیشه دانشگاهی اهمیت می‌دهند... اینها به توسعه دانشگاهها کمک می‌کنند و یا حداقل به توسعه اندیشه دانشگاهی کمک می‌کنند (مصاحبه شونده ۶). در خیلی از کشورهای خارجی افراد و نهادهای مردمی هستند که حامی دانشگاه و دانشگاهی هستند. این نهاد یا افراد به دانشگاهیان در تحقق مسئولیت اجتماعی کمک می‌کنند (مصاحبه شونده ۷) شهروند علمگرا به عنوان "کار علمی انجام شده توسط اعضای جامعه عمومی است غالباً با همکاری یا تحت هدایت دانشمندان حرفه‌ای و مؤسسات علمی انجام می‌شود" (مصاحبه شونده ۱).

۲-۵- شهروندی مبتنی بر نظام عرضه و تقاضا: شهروندی دانشگاهی که متأثر از دیدگاه سرمایه داری در عرصه اجتماع است، به دانشگاه‌ها به عنوان تربیت‌کنندگان افرادی برای خدمت بیشتر و بیشتر به

جامعه نگاه می کند. آنها انتظار دارند تا برنامه ریزیان آموزشی کارکردهای تربیت متخصص مورد نیاز جامعه را سرلوحه برنامه های خود قرار داده و شهروند دانشگاهی از نظر آنان همان متخصصان هستند که می توانند در گوشه ای از اجتماع به ارائه خدمت بپردازند. در این نگاه ارتباط بین دانشگاه و جامعه یک ارتباط مبتنی بر نگاه تقاضا محوری است و دانشگاه تنها به دنبال بررسی تقاضاهای صادره از جامعه است.

اگر با مکانیسم عرضه و تقاضا به رابطه بین دانشگاه و جامعه نگاه کنیم، شهروند خوب کسی است که دارای تخصص کافی و لازم باشد. او تلاش می کند تا در یک شغل خاص موفق شود و نقش شهروند متخصص را ایفا کند (مصاحبه شونده ۲۲). در برخی جاها هدف از شهروند دانشگاهی تمرکز بر رویکرد تک بعدی و تک ساحتی (تخصص گرایی) در تعریف شهروند خوب است (مصاحبه شونده ۱۹). (مصاحبه شونده ۷ های ۸ و ۲ نیز نظرات مشابه داشتند)

۲-۶- شهروندی دانشگاهی به مثابه یک مقوله سیاسی: یکی از مشخصه های جوامع دموکراتیک و به عبارتی یکی از مولفه های زندگی دموکراتیک احساس مسئولیت پذیری اجتماعی و تمایل به ایفای نقش مشارکت کننده مسئول در مناسبات اجتماعی است. شهروند دانشگاهی دانش، آگاهی و تجربه کافی برای ورود به این عرصه مسئولیت زا را دارد و با تمام توان در جهت کاربست توانایی های خود در جامعه تلاش می کند. همچنانکه قبلاً اشاره شد، زیست دانشگاهی محل مناسبی برای تمرین تحمل، پذیرش، گسترش و سعه صدر افراد است. بدون شک انتظار می رود که محیط دانشگاه و آموزشهای دانشگاهی به تربیت افرادی همت کند که شهروندانی با ویژگی های مذکور باشند. افرادی که نگاه خاصی به مفهوم سیاست، حکومت، جامعه و دولت دارند.

شهروند دانشگاهی مایل به مشارکت آگاهانه دانشگاه ها در امورات اجتماعی است. وی این را به عنوان ایفای نقش و مسئولیت اجتماعی خود می بیند (مصاحبه شونده ۱۳)؛ دانشگاه کنشگر و فعال (که در مقابل منفعل تعریف می شود) رسالت خود را مشارکت اجتماعی می داند اگرچه برخی از موارد او را متهم می کنند به دخالت و یا بعضاً فضولی!! چرا که خیلی از رفتارها ممکن است برای یک دانشگاهی در قالب پژوهش و تحقیق تبیین اما از منظر عامل بیرونی یک فعالیت سیاسی باشد (مصاحبه شونده ۱۹).

۲-۷- شهروندی دانشگاهی به مثابه یک مفهوم فرهنگی: کلیت فعالیت دانشگاهی به عنوان یک امر فرهنگی شناخته می شود. آنچه در نظام آموزشی (اعم از آموزش و پرورش یا آموزش عالی) انجام می شود به دلیل جهت گیری تربیتی و آموزشی آن و به لحاظ تلاش برای رشد جامعه و فرد، در جامعه ما به عنوان یک فعالیت مبتنی بر فرهنگ شناخته می شود. اگر اجتماع دانشگاهی را به عنوان یک جامعه مجزا در نظر بگیریم، هر گونه پروسه اجتماعی شدن نیازمند شناسایی مولفه های فرهنگ دانشگاهی و آکادمیک و تلاش برای انتقال دادن آنهاست. گذشته از این مورد، خود جامعه دانشگاهی در یک نگاه، دارای مولفه های فرهنگی خاص خودش است که در آن چارچوب، اساتید، دانشجویان و ... تلاش می کنند تا به مقولات فرهنگ دانشگاهی احترام بگذارند.

در نگاهی دیگر، شهروند دانشگاهی کسی است که دارای آداب و رسوم خاص خود است. اگر دانشجو، استاد، مدیر و ... باشد باید از فرهنگی خاص تبعیت کند (مصاحبه شونده ۲۰)؛ درست است که شهروند دانشگاهی دارای مولفه ها و عناصر فرهنگی خود است اما این موارد از یک جامعه به دیگری فرق می کند برخی دیدگاه ملی دارند برخی بین المللی و به دنبال تبادل فرهنگی هستند (مصاحبه شونده ۴).

مضمون فراگیر ۳: ابعاد و مولفه های شهروندی دانشگاهی: این طبقه توصیفی شامل چهار مضمون عمده است که در نمودار ۳ ملاحظه می شود.

۳-۱- آزادی آکادمیک: آزادی آکادمیک، آگونه ای از آزادی است که براساس آن متخصصان در هر زمینه‌ی علمی در تدوین طرح درس، استفاده از محتوا و منابع، روش تدریس، نوع و روش ارزشیابی و نظام نمره دهی خود و در کل برای انتقال دانش خود آزادند، بدون آن که غرض‌ورزی‌های غیرعلمی از یک سو و دخالت‌های نامعقول از سوی دیگر مانع کار آن‌ها شود. هنگامی که از مشکلات دانشگاه‌ها سخن به میان می‌آید قبل از هر چیز ذهن ما به مشکلات مالی، حجم سنگین آموزش و تدریس، نبود کارکنان کارآمد و امکانات ناکافی معطوف می‌شود، اما آزادی علمی، بیان آزادانه افکار و نداشتن دغدغه در کشف و انتشار حقیقت از جمله چالش‌هایی است که در دانشگاه‌ها کمتر بدان پرداخته شده است. دایره‌المعارف بریتانیا^۱ (۲۰۰۹) آزادی علمی را آزادی استادان و دانشجویان در تدریس، تحقیق و پیگیری علوم و انجام پژوهش، بدون دخالت نامعقول قانون و مقررات، نهادهای خاص و یا تحت فشار افکار عمومی می‌داند. آزادی آکادمیک، به گونه ای اطلاق می‌گردد که براساس آن متخصصان در هر زمینه‌ی علمی در تدوین طرح درس، استفاده از محتوا و منابع، روش تدریس، نوع و روش ارزشیابی و نظام نمره دهی خود و در کل برای انتقال دانش خود آزادند، بدون آن که غرض‌ورزی‌های غیرعلمی از یک سو و دخالت‌های نامعقول از سوی دیگر مانع کار آن‌ها شود.

یکی از مهمترین مولفه های شهروندی دانشگاهی آزادی او در پژوهش و تحقیق است. او نبایستی خودش را سانسور کند و یا تحت تاثیر تلقین و یا اجبار باشد (مصاحبه شونده ۲۴): شهروند دانشگاهی آزادی مشروع دانشجو را به رسمیت می‌شناسد و حق و حقوق او را رعایت می‌کند. در کل بایستی بر اساس مولفه های آزادی آکادمیک، حقوق شهروندی دانشگاهی اعضاء به رسمیت شناخته شود (مصاحبه شونده ۲۸)

۳-۲- اخلاق حرفه ای و آکادمیک: منش آکادمیک خاص دانشگاهیان است. این منش مبتنی بر رفتارهای علمی و اخلاق مبتنی بر آن در جامعه دانشگاهی و یا در خارج از محیط دانشگاه است. اما آنچه کلیت شخصیت فرد آکادمیک را شکل می‌دهد مجموعه ای از دانش و منش آکادمیک است. دانش حرفه ای که شامل همان تخصص و دانش حرفه ای است اما بعد منش آکادمیک ویژگی‌هایی است که از یک فرد دانشگاهی انتظار می‌رود، مواردی چون آزاد اندیشی، قانونمداری، شکیبایی و افتادگی علمی؛ حق جویی و دارا بودن رفتارهای اخلاقی در مناسبات اجتماع دانشگاهی است. در تبیین این موضوع می‌توان گفت که مربیان و استادان علاوه بر صلاحیت‌های ویژه مندرج در آئین‌نامه‌ها، شرح وظایف و عهدنامه اخلاقی باید دارای صلاحیت‌آکادمیک باشند که در منابع مختلف، اینگونه مطرح کرد: الف) صلاحیت‌های تخصصی که تسلط بر مهارت‌های آموزشی و تدریس، تسلط بر محتوا و ارائه آن، تعیین تکلیف، پرسش و پاسخ و روش‌های تدریس را شامل می‌شود. ب) صلاحیت‌های حرفه‌ای: از جمله بهبود آموزش به وسیله فناوری اطلاعات و ارتباطات، نیازمند فهم و درک روشن از نقش مدرس در آموزش است و ج) صلاحیت‌های ارتباطی-

^۱ . Encyclopedia Britanica

اطلاعاتی: کاهش چالش کاربست فناوری اطلاعات و ارتباطات در تدریس به مهارت ارتباطی - اطلاعاتی مدرس وابسته است

شهروند دانشگاهی بایستی اخلاق حرفه ای و اخلاق دانشگاهی (آکادمیک) را رعایت کند. او بایستی حقوق مولفان و محققان را به رسمیت بشناسد..... بایستی از منهج علم پیروی و آن را پاس بدارد. او فردی است که به حل مشکلات جامعه با استفاده از معیار علم اعتقاد دارد تلاش می کند این اندیشه را که ما «همه چیزی را با نگاه و روش علمی بیازماییم» را به جامعه منتقل کند(مصاحبه شونده ۲۵ و ۲۷)

۳-۳- ایفای نقش دانشگاه عامل(ناظر و ارزیاب اجتماعی): از جمله ویژگی های دانشگاه تقاضامحور می توان به تابعیت از جامعه و همچنین تلاش برای لحاظ کردن اولویت های اجتماعی(نیازها، سیاست ها، خط مشی ها، راهبردها و ...) اشاره کرد. اما در دنیای کنونی و در پارادایم های جدید توسعه اجتماعی، دانشگاهها به عنوان نیروهای تاثیرگذار بر توسعه و در نتیجه تاثیر گذار بر کل زندگی اجتماعی به حساب می آیند. در این تعریف، دانشگاه ها پیشران توسعه بوده و خط منطقی توسعه اجتماعی را دانشگاه ترسیم می کند نه سیاستمداران و یا صاحبان ثروت و قدرت. در این تعریف دانشگاهی کسی است که نظاره گر و ارزیاب جامعه است و قلب تپنده تصمیم گیری و خط مشی گذاری در جامعه است.

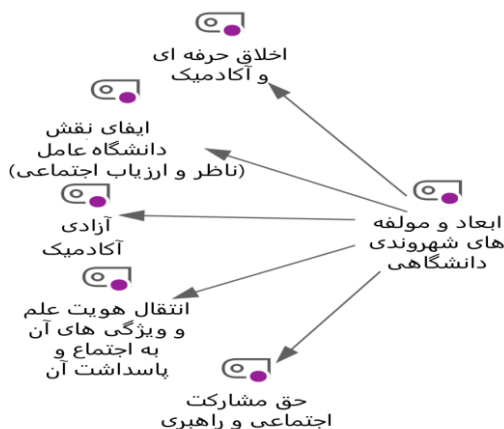
شهروند دانشگاهی باید چشم بینای جامعه باشد... او شهروند جامعه ای ویژه است (عضو موسسه ای است) که نباید دنباله رو جامعه باشد بلکه باید خط سیر و تحول آن را ترسیم نماید(مصاحبه شونده ۲۹) دانشگاه باید ارزیاب منصف، علمی و دقیق تحولات اجتماعی باشد و برای معضلات و مسائل اجتماع راه حل داشته باشد و شهروندی در چنین جامعه ای(دانشگاه) نیازمند ایفای نقش عامل و کنشگر است نه منفعل(مصاحبه شونده ۱۹)

۳-۴- حق مشارکت اجتماعی و راهبری اجتماعی: شهروند دانشگاهی بر اساس واقعیت های دنیای کنونی(تحولات نظری حوزه آموزش عالی در خصوص تغییر کارکرد دانشگاه ها) و همچنین بر پایه منشورهای حقوق بشری و حقوق شهروندی ملی و بین المللی، نقش راهبری اجتماعی را دارد. این امر بر اساس اصل مشارکت همه جانبه در جامعه معنا پیدا می کند. در جهان پویای کنونی بخشهای مهمی از آموزش عالی و دانشگاه نسبت به قدرت، فرهنگ، دولت و صنعت به صورت نهاد محافظه کار و تقریبا ایستا باقی مانده و در مقایسه با دهه های اول نیمه دوم قرن بیستم که دانشگاه به نهاد معتبر جامعه تبدیل شد اعتبار آن با روند نزولی مواجه شده است. سازگاری با محیط، یکی از الزامات توسعه پایدار و فعال نظام دانشگاهی در شرایط تغییر شتابان است و سازگاری دانشگاهها محیط یک معیار اساسی برای کیفیت آموزش عالی است، اما در دنیای کنونی بایستی دانشگاه موتور محرکه شتاب اجتماعی باشد و تنها سازگاری شرط دانشگاه موفق نیست.

در دنیای کنونی دانشگاه بایستی اثرات خود را در جامعه ببیند و لذا شهروند دانشگاهی باید اجازه ندهد تا دانش و آگاهی او در حصار دانشگاه باقی بماند بلکه او تلاش می کند تا علم و نگاه آکادمیک در لایه های اجتماع رسوخ کند..... دانشگاه بایستی در امورات اجتماعی مشارکت فعال داشته باشد و جامعه بایستی پذیرای دانشگاه باشد(مصاحبه شونده ۳۰ و ۱۴)

۳-۵- انتقال هویت آکادمیک و ویژگی های آن به اجتماع: دانشگاه به عنوان یک اجتماع دارای ارزش های مشخص، نظام ارزشی و همچنین نظام سلسله مراتبی خاص است. شهروند دانشگاهی انسانی آزاد اندیش است و سعی می کند که منادی آزاد اندیشی و طرفدار اندیشه مترقیانه در جامعه باشد. این ارزشها هستند که به چنین شهروندی انگیزه، انرژی و قدرت لازم برای فداکاری در راه علم را خواهد داد. این ارزش ها عبارت از قضاوت دقیق و علمی در ارزیابی های اجتماعی؛ گسترش دادن هویت آکادمیک و انتقال آن به جامعه؛ نفی خشونت و تعریف معیارهای روشن برای قضاوت های اجتماعی؛ دعوت همگان به پاسداشت اندیشه علمی در مناسبات روزانه(اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، مدیریتی و ...) هستند.

شهروند دانشگاه بودن مستلزم رعایت یک سری اصول و پایه های ارزشی است که می توان به استناد به قضاوت عینی و علمی، پرهیز از سوگیری و قضاوت ناصحیح؛ احترام به ایده دیگران و ... است که باید آن را حفظ و همچنین آن را به جامعه هم منتقل کند. این کار از طریق استفاده از این معیارها در زندگی روزانه خود معنا پیدا می کند(مصاحبه شونده ۲۶ و ۵ و ۹)



نمودار ۳: مضامین سازماندهنده ابعاد و مولفه های شهروندی دانشگاهی

مضمون فراگیر ۴: رویکردهای آموزش شهروندی: این طبقه توصیفی شامل چهار مضمون

عمده است که در نمودار ۴ ملاحظه می شود.

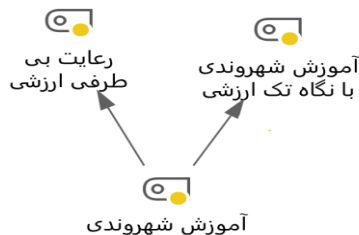
۴-۱- آموزش شهروندی با نگاه تک ارزشی: یکی از اهداف نظام های آموزشی ایجاد زمینه رشد و بالندگی یادگیرندگان از طریق جامعه پذیری مطلوب آنان می باشد. و با تحقق این امر مهم است که نسل های پی در پی به شهروندی فعال و مسئولیت پذیر تبدیل می شوند. شهروندانی که به ارزش ها ارج نهاده و به هنجارهای اجتماعی جامعه عمل نمایند. در این میان یکی از مفاهیمی که می تواند زمینه اجتماع پذیری شایسته را تضمین نماید، آشنایی صحیح یادگیرندگان با هنجارها و ارزش های جامعه، شناخت مفهوم آنان و در نهایت عمل به این پدیده های اجتماعی است. انا نقطه ضعف این نوع نگاه به شهروندی دانشگاهی، تربیت افرادی تک بعدی با مجموعه ای از ارزش های ثابت و بی توجه به سایر ارزش ها و یا بیگانه با آنها است.

چنین شهروندی مولفه های شهروندی دانشگاهی یعنی آزادی آکادمیک، اخلاق حرفه ای و ... را در خود رشد نداده است.

برخی از برداشت ها از آموزش و رفتار شهروندی در شهروندی دانشگاهی بسیار محدود و تنگ نظرانه است. اینها لقاء و تلقین ارزشی را معادل آموزش ارزش های شهروندی می پندارند در حالی که ارزش ها در مبحث شهروندی بسیار رشد یافته و البته مترقیانه هستند. اینها همان ارزشهای فرامرزی، فراملیتی و جهانی هستند(مصاحبه شونده ۱۵)

۴-۲- آموزش شهروندی با نگاه بی طرفی ارزشی: اگر چه آموزش به خودی خود امری خنثی نیست و هر آموزشی حامل برخی از ارزشها است، اما نوع ارزش هایی که در آموزش به آنها بها داده می شود در شکل دادن به ساختار اندیشه افراد اجتماع بسیار مهم است. به این معنا که اگر ما اندیشه تکثرگرایی ارزشی را در ذهن یادگیرنده ایجاد و توسعه دهیم، اگر چه در نوع خود گونه ای ارزش است اما به معنای پذیرش دیگری است که با ما دارای تفاوت های نگرشی، بینشی و ... دارند. تکثر گرایی ارزشی در عمل آموزش به معنای تلاش برای تربیت شهروندانی است که دارای سوگیری ها، تعصبات و پیش داوری های ارزشی نیستند.

شهروند دانشگاهی خود را از قید و بند ارزش های تحمیلی و یکجانبه نگر خلاص کرده و بیشتر به سمت بین المللی بودن و جهانگرایی تمایل دارد. این به معنای نفی ارزش های ارزشمند هر جامعه نیست بلکه به معنای تأکید بر ارزش هایی است که ما را بیشتر و بیشتر به همدیگر نزدیک می کند و این به معنای اعتقاد به آموزش هنجارهایی که مورد پذیرش جامعه جهانی است(مصاحبه شونده ۱۷ و ۱۱).



نمودار ۴: مضامین سازماندهنده ابعاد آموزش شهروندی

مضمون فراگیر ۵: جوانب شهروندی دانشگاهی: این طبقه توصیفی دربرگیرنده ۳ مضمون عمده و سازمان دهنده است که در نمودار ۵ ملاحظه می شود.

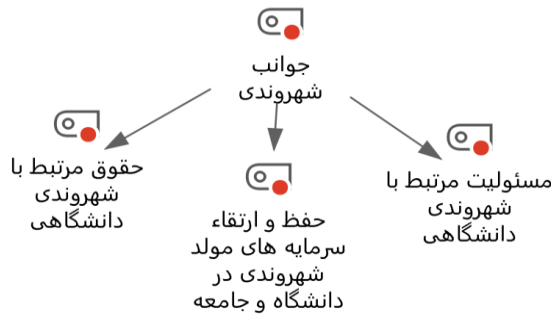
۵-۱- حفظ و ارتقاء سرمایه های مولد شهروندی در دانشگاه و جامعه: یکی از جوانب مهم شهروندی دانشگاهی توسعه، پاسداشت و نگهداشت سرمایه های ارزشمند شهروندی است که نه تنها تضمین کننده جامعه متعادل هستند بلکه به خلق و ایجاد سرمایه های انسانی هم کمک می کنند، سرمایه هایی چون داشتن نگرش علمی و به دور از تعصب و پیش داوری در جامعه؛ ترویج اندیشه قانونمداری؛ تفاهم بر روی اصول تعامل اجتماعی و دانشگاهها و موسسات آموزش عالی، یکی از کانون های مهم سازنده سرمایه اجتماعی هستند. برای تحقق این امر باید فعالیتهای و برنامه های آموزشی خاصی در نظام برنامه ریزی

آموزش عالی تعریف شوند. با این وصف، امروزه سرمایه‌ی اجتماعی نقشی بسیار مهمتر از سرمایه‌های فیزیکی و انسانی در سازمان‌ها و مراکز آموزش عالی ایفا می‌کنند، به نحوی که در غیاب آن نه تنها سایر سرمایه‌ها اثر بخشی خود را از دست می‌دهند، بلکه پیمودن راه‌های توسعه و تکامل سازمانی نیز ناهموار و دشوار می‌گردد.

یکی از آثار مهم شهروندی دانشگاهی کمک به تبلیغ، توسعه و ترویج روحیه‌ی ای است که در آن دانایی و دانایی محوری بر جامعه حاکم باشد. مطرح شدن رویکرهایی چون اقتصاد دانایی محور، جامعه دانش محور و ... خود دلیل بر مولد بودن نگاه شهروندی دانشگاهی است که همان سیطره علم و نگاه علمی در جامعه است (مصاحبه شونده ۳۳ و ۳۰).

۵-۲- رعایت حقوق و مسئولیت‌های مرتبط با شهروندی دانشگاهی: شهروندی مستلزم حقوق و مسئولیت است. شهروندی دانشگاهی هم از این اصل مستثنی نیست. این حقوق در ارتباط با تمام عناصر انسانی درگیر در پروسه شهروندی دانشگاهی (اعم از دانشجو، استاد و ...) مصداق دارد. مهمترین دغدغه عصر حاضر مسئله آموزش و تربیت شهروندانی مؤثر و فعال در عرصه‌های مختلف زندگی است و با توجه به این که مفهوم و ماهیت شهروندی دارای ابعاد متفاوت (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مدنی و فرهنگی) است، نهادها و مؤسسات متعدد هر یک به نوعی در تلاشند تا در تربیت شهروند مورد نیاز خود، به ایفای نقش بپردازند. هر چند از میان این نهادهای مختلف به نظر می‌رسد که دو نهاد آموزش و پرورش و به خصوص آموزش عالی و نیز خانواده با بهره‌گیری از تمام امکانات و پتانسیل‌های خود درصدد تحقق بخشیدن به آرمان تربیت شهروند مطلوب هستند، اما متأسفانه در عمل، شاهد کارایی نسبی و حتی شکست آنها در این خصوص هستیم. گواه این ادعا نیز می‌تواند هنجارشکنی‌ها و ارزش‌ستیزی‌های نمود یافته در نسل نوجوان و جوان و به خصوص بخش عظیمی از فارغ‌التحصیلان آموزش عالی باشد که در روبرویی با مسائل و مشکلات زندگی قادر به شناسایی و انجام مسئولیت‌های خویش نبوده و طریق عصیان یا بی‌تفاوتی را می‌پیمایند.

از جمله حقوق شهروند دانشگاهی داشتن آموزش خوب، بهرمندی از جو دانشگاهی در راستای پاسداشت ارزشهای شهروندی دانشگاهی، دسترسی به منابع آزاد، داشتن امکانات رفاهی، تضمین سلامت روحی و جسمی و امنیت افراد است. اما مسولیت‌های آنها هم شامل قانونمداری؛ توسعه بینش علمی در جامعه؛ حفظ حرمت حق و حقوق افراد مقابل؛ آگاهی بخشی اجتماعی؛ انتقاد سازنده و تلاش برای رفع مسائل اجتماعی؛ مددکاری اجتماعی و تلاش برای احیای ارزشهای مبتنی بر نگاه علمی - ممنتصفانه و ارزشیابی محور است (مصاحبه شونده ۳۴، ۳۲، ۱۱، ۴ و ۱۰).



نمودار ۵: مضامین سازماندهنده جوانب شهروندی دانشگاهی

بحث و نتیجه گیری :

در این پژوهش، محقق تلاش کرده است تا مفهوم و ابعاد شهروندی دانشگاهی را تبیین و در این راستا نتایج گسترده ای به دست آمده است (که مدل نهایی در نمودار ۶ ملاحظه می شود)، در نهایت می توان چنین استدلال کرد که شهروندی ویژگی ذاتی برای اجتماع دانشگاهی و نقش عاملان آموزش عالی در آن اجتماع و در کلیت جامعه است. می توان چنین گفت که سهم آموزش عالی در ترویج «شهروندی» نیازی به فشار از خارج دانشگاه ندارد بلکه خود دانشگاه آن را به طور معمول و در قالب برنامه ریزی های آموزشی خود انجام می دهد. یک مؤسسه آموزش عالی، می تواند سهم شهروندی خود را در صورتی که "طیف وسیعی از اهداف مرتبط با شهروندی" را در هنگام تدوین و اجرای دقیق ماموریت های آموزشی و برنامه هایی که برای تحقق این اهداف ترسیم کند، ایفا نماید. «عملکرد شهروندی» دانشگاه فقط به برنامه درسی و آموزشی محدود نمی شود و نمی توان تنها در «آموزش شهروندی» خلاصه کرد. در این راستا، به عنوان مثال، مقوله هایی چون دسترسی به آموزش عالی (به ویژه برخی رشته ها و حرفه های دانشگاه و ارتباط این دسترسی به متغیرهایی چون جنسیت)، پیامدهای اجتماعی، اخلاقی و سیاسی پژوهش های دانشگاهی و مواردی از این نوع به نوبه خود موضوعی با قابلیت بحث و مناظره اجتماعی بالا است.

ناگزیر، شهروند دانشگاهی در پژوهشی که به بررسی ویژگی های گسترده این نوع از شهروند پرداخته است، به یک شهروندی مدل تبدیل خواهد شد، مدلی که از سوی آن اعضای هیات علمی، دانشجویان، مدیران و همه اعضای جامعه دانشگاهی دارای ویژگی هایی خواهند بود که بر اساس آن، می توان این افراد را شهروند علمی و دانشگاهی قلمداد نمود. معنی، مبنا و مفهوم حقوق و مسئولیت ها در هر جامعه ای و با هر مقیاسی، و همچنین ارتباط بین این دو حوزه (حق و مسئولیت) قرن ها موضوع اختلافات نظری و عملی بوده است. به عنوان راهی برای اجتناب از غلبه بر اختلافات مداوم، این پژوهش از برخی نکات و تجربیات معمول شهروندان دانشگاهی استفاده کرده است که توسط خود آنان به اشتراک گذاشته شده است. در بخشی اول این نوشتار ما سه جزء اساسی از این دستجات نظری را بررسی می کنیم، اجزایی که به طور کلی، حقوق خاصی را برای هر شهروند دانشگاهی تعریف می کنند و شامل تعهدات خاص شهروندی دانشگاهی می شوند. نباید فراموش کرد که این تعهدات بخشی از حقوق اساسی و همچنین بخشی از همان چیزی است که برای حفظ حیات و انعطاف پذیری جامعه (در کلیت آن) الزامی و حیاتی است. در قسمت دوم، برخی از این تعهدات اساسی

شهروندی را بررسی می‌کنیم و در بخش آخر توصیه‌هایی در مورد چگونگی ترویج شهروندی دانشگاهی موثر ارائه می‌کنیم.

سه جزء اساسی مطرح شده در کلیت نتایج حاصل از اجرای پژوهش که تفصیل آن در بخش یافته‌ها آمده است عبارتند از: ۱- حقوق و آزادی‌های شهروندی خودگردان (استقلال آکادمیک). دانشگاه‌ها در غالب نظام‌های آموزش عالی دنیا موسسات خودگردان و به‌طور عمده خود تنظیم هستند. از آنجا که دانشگاه‌ها دارای انواع مختلف شهروندان با حقوق و تعهدات مختلف (اعضای هیات علمی، کارکنان اداری و دانشجویان) هستند، همه این دسته‌ها تا حدودی در مدیریت و در زندگی معمول موسسه مشارکت دارند؛ ۲- آزادی و حراست علمی: آزادی آکادمیک سنگ بنای دانشگاه مدرن غرب است و این امر ضامن اصلی حراست از چارچوب‌های علمی و آکادمیک است. دانشگاه‌ها در محدوده‌هایی که توسط قوانین مدنی تعریف شده است، قادر به تحقیق در مورد هر موضوع و ارائه دیدگاه‌ها و اکتشاف در مورد آن موضوعات به هر طریقی که می‌خواهند، هستند و این امر به تضمین آزادی آکادمیک منجر می‌گردد. حراست از چارچوب علمی یعنی جلوگیری از اقداماتی نظیر جعل اطلاعات، عدم انجام تعهدات قراردادی (مثلاً تدریس)، عدم رعایت حق و حقوق دانشجو یا آزار و اذیت دانشجویان، همکاران و کارمندان اداری و ... است؛ ۳- خودگردانی: اختیارات دانشگاه در خصوص زمان و چگونگی انجام تعهدات پژوهشی، تدریس و خدمت اعضای هیات علمی (بیشتر محدود به تعهدات تدریس در کلاس درس) خلاصه می‌شود. تحقق سایر انتظارات، مانند زمانی که برای انجام کار تحقیقی اختصاص داده می‌شود، میزان وقت و انرژی که صرف دانشجویان می‌شود، زمانی که هیات علمی یا دانشجو برای تولیدات علمی (چه کنفرانس‌ها و سخنرانی‌ها یا برای شرکت در جلسات و زمان برنامه‌ریزی تدریس و امتحانات و ...) در نظر می‌گیرند، منوط به اعتقاد به خودگردانی هیات علمی است و کنترل آن توسط بخش اداری دانشگاه عملاً دشوار و تا حدودی غیر ممکن است.

بخش دیگر یافته‌های پژوهش مربوط به تعهدات شهروندی در نظام‌های آکادمیک است. آنچه از نتایج پژوهش حاصل شده است می‌توان به مواردی اشاره داشت. ۱. خدمت به سازمان‌های اجتماعی: در بیشتر موارد، ارزش‌های دانشگاه و درک جمعی آن از کمک آن نهاد به منافع و رفاه کلی جامعه و رعایت رویه‌های قانون‌گذاری سراسری کشورها تعریف شده است. به عنوان یک نهاد خودگردان، جامعه دانشگاه را در کنترل خود دارد. در نتیجه، سلامت و رفاه آینده این نهاد به میزان قابل توجهی بر کیفیت رهبران سیاسی و فکری جامعه و استحکام ساختار حاکمیتی آن بستگی دارد. این به نوبه خود به کیفیت کسانی که نقش رهبری و خدمت به سازمان‌های دولتی را بر عهده دارند بستگی مستقیمی دارد. به حداکثر رساندن احتمال مطلوبیت آینده و برنامه‌ریزی‌های دانشگاهی مستلزم آمادگی اعضای هیات علمی برای خدمت به جامعه بزرگ‌تر و سازمان‌های آن است. البته، باید اشاره کرد، دانشگاه‌ها اساساً علاوه بر کارکرد‌های ذاتی مثل تعلیم و تربیت افراد، کار پژوهش و تحقیق در خصوص نیازها و مسائل جامعه را بر عهده دارند و این امر به خدمت مستقیم نهاد دانشگاهی به آرمان‌های اجتماعی منجر می‌گردد؛ ۲. مربیگری: حفظ و توسعه ارزش‌های انسانی، قابلیت‌های فردی و اجتماعی، توسعه بهزیستی و رفاه عمومی، یکی از موثرترین راه‌های حفاظت از رفاه حال و آینده دانشگاه است. این امر مستلزم آن است که برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌ها و همچنین اعضای هیات علمی

در قالب مسئولیت های شغلی خود، به عنوان بخشی از وظایف شهروندی، متعهد به تربیت نیروهای کارآمد و متخصص برای تداوم راه تحقیق و توسعه دانشگاهی و پذیرش آنان به عنوان شهروندان جدید، شوند. هر چند که ممکن است خواسته ها و افکار و رویه های فکری و کاری اعضای هیئت علمی با این اندیشه ناسازگار باشد اما وظیفه هدایت، کمک و تلاش برای جامعه پذیری دانشگاهی این افراد(در قالب برنامه های آموزشی و درسی)، وظیفه برنامه ریزان دانشگاهی است و بهتر است آن را به عنوان بخشی از وظیفه شهروندی دانشگاهی خود بپذیرند؛^۳ ارتقاء رفاه جمعی: کیفیت دروندادهای دانشگاهی(دانشجویان و استادانی که دانشگاه ها جذب می کنند) تأثیر عمیقی بر روی زندگی جمعی ما دارد. در این راستا، ساخت محیط مناسب برای جذب دانش آموختگان عالی (به خصوص در سطح تحصیلات تکمیلی) و همچنین استخدام اعضای هیات علمی با کیفیت، به این رفاه عمومی کمک می کند. یک دانشگاه می تواند دفاتر ارتباط با جامعه را ایجاد کند تا اطمینان حاصل شود که تولیدات علمی و فرهنگی آنها مستقیماً در اختیار اجتماع قرار می گیرد. آگاهی از جدیدترین دستاوردهای دانشگاهی و استفاده از آنها نه تنها حق اجتماعی انسانهایی است که دانشگاه را برای سالیان زیادی در نزدیک خود داشته اند بلکه ادای وظیفه این نهاد در کمک به رفاه عمومی و اجتماعی است.

فرهنگ دانشگاهی را می توان به تعبیر گیرتز، الگوی معانی نهفته در صور نمادین، از جمله کنشها، گفته ها و تمامی مقولات معناداری دانست که افراد دانشگاهی به کمک آن با هم ارتباط برقرار می کنند و در تجارب، دریافت ها و باورهای مشترک با یکدیگر سهیم می شوند. دانشجویان تازه وارد با ورود به دانشگاه و اجتماع آکادمیک^۱، اساساً وارد فضای فرهنگی جدیدی می شوند؛ فضایی که در آن خرده فرهنگ های مختلفی(رشته ای، دپارتمانی، سازمانی و ...) وجود دارد. در تقاطع این خرده فرهنگ هاست که هویت دانشگاهی^۲ شکل می گیرد(همتی، کیانپور و اصلانی، ۱۳۹۳). انسان دانشگاهی در هر رشته تحصیلی باید علاوه بر مجموعه ای از دانش و اطلاعات تخصصی و غالباً فنی، مجموعه ای از ارزش ها و باورهای اخلاقی، روحیات و نگرش های خاصی را بشناسد، آنها را باور کند و تلاش کند تا آنها را درونی سازد(فاضلی، ۱۳۸۷).

اندیشه آموزش شهروندی وقتی در قالب برنامه های رسمی آموزشی دانشگاه جاری می گردد، منجر به پرورش شهروندی فعال می شود که معمولاً دارای مهارتهایی چون تقویت شیوه های همکاری و کارگروهی تصمیم گیری به شیوه جمعی، توانایی بخشیدن به افراد برای استدلال و نقد منصفانه؛ تقویت مهارت های موثر ارتباطی، مدیریت مشترک فعالیت ها و کارهای محلی، تقویت گفت و گو و مهارت های مشارکتی و... می شود(سلطانی و معین آبادی، ۱۳۹۶). یک شهروند دانشگاهی الزاماً جهان را از زاویه پژوهش و تحقیق می بیند. فرد دانشگاهی فرهیخته^۳ ابزارهای لازم برای شناخت علمی را دارا می باشد. این ابزارها عبارت از قدرت شناسایی و تعریف مساله، توانایی بازنمایی آن به شیوه های پذیرفته شده علمی و همچنین داشتن استعداد جهت پیشنهاد راه یا راه های حل آن مسائل هستند(یویدا و یوشیمورا^۴، ۲۰۱۰). دانشگاه بایستی در شناخت و حل مسائل اجتماعی پیشقدم باشد. این نهاد نقش بسیار مهمی در پیشرفت یا رکود یک جامعه ایفا می کند و

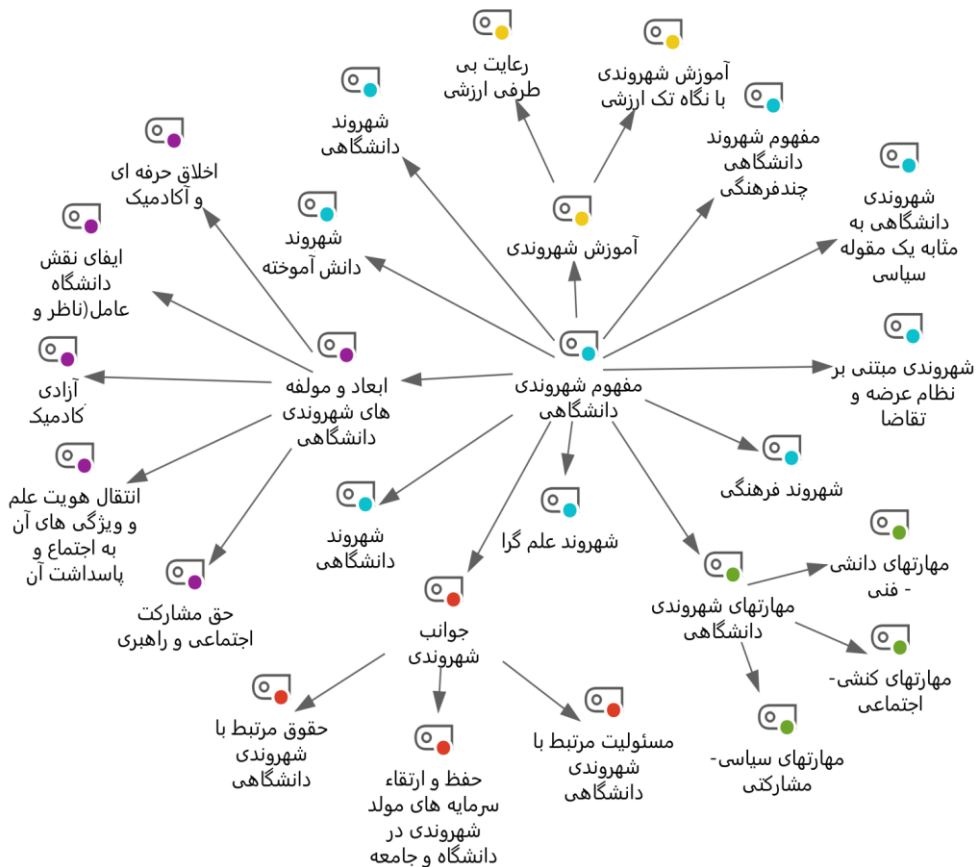
^۱. Academic Community

^۲. Academic Identity

^۳. Educated academic person

^۴. Ueda & Yoshimura

این کار از طریق تأثیرگذاری مستقیم بر جریان شکل‌گیری، اصلاح و تغییر و بازتولید نظام‌های اجتماعی و سازوکارهای بازار محقق می‌گردد (تنگ^۱، ۲۰۱۳) حمایت از نوآوری و اختراعات به منظور حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی از ویژگی‌های دانشگاه‌های نسل چهارم است.



نمودار ۶: مدل مفهومی مضامین فراگیر و سازماندهنده ابعاد و جوانب شهروندی دانشگاهی

دستیابی به روابط بین‌المللی و تعلق محلی در چهارچوب نیازها و خواسته‌های محلی و بین‌المللی می‌تواند دانشگاهی که خروجی ارزشمندی از بعد خالقیت و نوآوری به همراه داشته باشد (گودرزوند چگینی، ۱۳۹۷). هر گونه اجتماع انسانی متشکل از افرادی است که دارای حق و تکلیف هستند. در نگاه حقوقی-قانونی به شهروند دانشگاهی، می‌توان به حقوق و وظایف دانشجویی، استادی و غیره در منشورهای ملی و بین‌المللی اشاره داشت. مثلاً در «سند ملی منشور حقوق شهروندی» جمهوری اسلامی ایران در زیرفصل مرتبط با اساتید و دانشجویان به حقوق شهروندی ذیل اشاره شده است: «جوامع علمی، حوزوی و

^۱. Tang

دانشگاهی از آزادی و استقلال علمی برخوردارند، استادان و دانشجویان در اظهار نظر آزادند و آنها را نمی توان به صرف داشتن یا ابراز عقیده در محیط های علمی مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد یا از تدریس و تحصیل محروم کرد. اساتید و دانشجویان حق دارند نسبت به تأسیس تشکل های صنفی، سیاسی، اجتماعی، علمی و غیره و فعالیت در آنها اقدام کنند.» (منشور حقوق شهروندی^۱، ماده ۱۰۶). شهروندی لیبرال از جانب گروه ها و جریانهای فکری مختلفی همچون جامعه گرایان، فمینیستها و غیره نیز از درون سنت لیبرالی به چالش و پرسش گرفته شده است. کسانی مثل چارلز تیلور (از منظر جامعه گرایانه) و یانگ (از منظر فمینیستی) نقدهای مهمی بر این انگاره وارد آورده اند. چارلز تیلور، ایده ی جهانشمول گرایی و عامگرایی لیبرالیسم را زیر سوال می برد و در مقابل از «سیاست شناسایی» برای گروه های اقلیت سخن به میان می آورد (تیلور و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۵؛ به نقل از فصیحی، ۱۳۹۵). آنچه که اندیشمندانی همچون تیلور، یانگ و کیملیا به عنوان جایگزین نظریه لیبرال مورد توجه قرار داده اند، رویکرد چندفرهنگ گرایی است (عیوضی و باب گوره، ۱۳۹۱). فلسفه ی این رویکرد به عنوان الگویی برای سیاستگذاری در عرصه عمومی برای جوامعی که دارای تنوع فرهنگی- قومی هستند و نیازمند تأمین همنوایی ملی هستند، مطرح شد (تیلور و دیگران، ۱۳۹۲). طراح این نظریه کیملیکا^۲ (۱۹۹۵) است. او نظریه شهروندی چند فرهنگی را برای ایجاد حس شان و هویت افراد (در مقابل هجمه یکجانبه نگری سیاسی و فرهنگی) در آموزش های رسمی و غیر رسمی مطرح کرد (استیونسون، ۱۳۹۲). هدف آموزش عالی تربیت شهروند حرفه ای چند فرهنگی است. که بتواند هم زمان در پی کسب هویت فرهنگی خود و نیز حل مسائل فرهنگ جهانی باشد. بر اساس نظر گری هاپکینز برای رسیدن به این منظور لازم است در برنامه های درسی، آموزش «صداقت، دلسوزی، احترام، مسئولیت پذیری و شجاعت» برای تربیت شهروندان حرفه ای چندفرهنگی مبنا قرار گیرد (اسکاتل^۳، ۲۰۰۸).

فرد دانش آموخته دانشگاهی بیشترین پتانسیل را برای تبدیل شدن به یک شهروند واقعی را دارد. چنین فردی تلاش می کند تا دانش شهروندی را به جامعه منتقل کند و از همان اصول آکادمیک در زندگی شخصی خودش هم استفاده کند. او تلاش می کند تا اصول بنیادین زندگی شهروندی (مثل احترام به حقوق دیگری، به رسمیت شناختن تفاوت ها، قضاوت صحیح و ...) را بر پایه بینش علمی و نگاه آکادمیک مستحکم نماید (استیون^۴، ۲۰۰۴). جفری کوهن (۲۰۱۵)؛ جک استیلجوو (۲۰۰۹) و استوارت لی و وولف میشل روث (۲۰۱۵) همگی در نوشته ها و آثار خود بر نسبت تازه «شهروند - دانشگاه» که مفهوم نوینی نیز هست، تمرکز کرده اند. این ایده تحت عنوان «شهروند علم» که به مثابه داوطلب آماده خدمت به دانشمندان به منظور گردآوری داده های علمی است. این ها افراد محلی مطلع اما عامی و عادی هستند که با دانشمندان همکاری جدی و صمیمی دارند. ایده شهروند-مصرف کننده^۵ یکی از اندیشه های دنیای صنعتی و سرمایه

^۱. منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران فهرستی ۱۲۰ ماده ای مستند بر قانون اساسی ایران است که در ۲۹ آذر ۱۳۹۵ / ۱۹ (دسامبر ۲۰۱۶) از سوی رئیس جمهور امضا شد تا سیاست ها و برنامه های دولت برای پیشبرد حقوق شهروندی پیگیری شود.

^۲. kymlicka

^۳. Schattle

^۴. Stephens

^۵. Citizen-Consumers

داری برای ترویج و تقویت اندیشه‌های اقتصادی مبتنی بر بازار است (اسپارگارن و استوروم^۱، ۲۰۱۰). دانشگاه‌های نسل اول و دوم و حتی دانشگاه‌های نسل سوم تا حدودی، ایده تربیت شهروندانی با توانایی‌های تخصصی و فنی لازم برای تحول جامعه را در اولویت قرار داده‌اند. در اینجا بازار تعیین‌کننده نوع شهروندی است که در دانشگاه‌ها تربیت می‌شوند و شهروند خوب و مورد تأیید کسی است که دانش تخصصی لازم برای انجام مشاغل خاص و ویژه را داشته باشد (پاولوسکی^۲، ۲۰۰۹). از نظر رایندرمن^۳ (۲۰۰۸) افزایش و آموزش توانایی‌های شناختی و دانش افراد تأثیر مثبتی بر تمامی بروندهای سیاسی شامل دموکراسی، حاکمیت قانون و آزادی سیاسی دارد (به نقل از معین‌آبادی و سلطانی، ۱۳۹۴) قابلیت شهروندی یکی از کلیدی‌ترین قابلیت‌های مورد نظر کمسیون اروپا در خصوص مجموعه‌های آموزشی است. هدف از توسعه این قابلیت‌ها داشتن شهروندانی است که دموکراتیک عمل کرده و به طور فعال در زندگی اجتماعی و سیاسی مشارکت داشته باشند. در اینجا مشارکت سیاسی دانشگاه‌ها به منزله حساسیت نسبت به مولفه‌های اجتماعی و نشانگرهای آن و همچنین تلاش برای ورود به عرصه حل آنها است (پردسکو و دارجان^۴، ۲۰۱۰). در مناسبات اجتماعی، دانشگاه به مثابه یک اجتماع خردتر در نظر گرفته می‌شود که دارای آداب و رسوم، سنت‌ها، ارتباطات و مناسبات خاص خود است (برگان و دامیان^۵، ۲۰۱۰). در اجتماعات دانشگاهی افرادی وجود دارند که دارای وظایف مشخص و به دنبال اهداف خاصی هستند. مثل یک اجتماع بزرگ آنها ملزم به پایبندی به فرهنگ دانشجویی، فرهنگ آموزشی و پژوهشی و سایر قوانین و مقررات هستند. برخی از آنان به دنبال بازتولید این فرهنگ در کل جامعه و تلاش برای همسان‌سازی جامعه با ارزش‌های فرهنگی دانشگاهی هستند که این ارزشها غالباً ریشه در افکار آکادمیکی قرون گذشته (زمان تاسیس اولین دانشگاه‌ها) دارد (اسمیت^۶، ۲۰۰۹).

شهروند دانشگاهی دارای ویژگی‌های عمده است. شاید بدیهی‌ترین و مهم‌ترین بعد شهروند دانشگاهی پایبندی به اصول آزادی آکادمیک است. آزادی آکادمیک یکی از پیش‌شرط‌های یک حرفه‌ی دانشگاهی پر طراوت است چون تدریس و تحقیق به محیطی نیاز دارند که در آن تفکر آزاد نه تنها باید اجازه داده شود بلکه باید تشویق شود (دگفا، ۲۰۱۵، ۳). آزادی آکادمیک به این معنا نیست که یک استاد حق دارد که هر چیزی را تحت عنوان درس، تعلیم دهد. این دیدگاه نشان می‌دهد که آزادی آکادمیک، آزادی عمل در انجام اعمال هیئت علمی است؛ این امر به آزادی اعضای هیأت علمی در کلاس و خارج از آن اطلاق می‌گردد (بهادر کرکی^۷، ۲۰۱۵: ۱). آزادی علمی نه تنها محافظت از پژوهش‌های علمی را دربردارد، بلکه سلامت و ایمنی دانشگاهیان را در سراسر جهان نیز شامل می‌شود (تیرنی و لانفورد^۸، ۲۰۱۴، ۴). بر اساس پژوهش سلیمی و عبدی (۱۳۹۶) ابعاد آزادی آکادمیک در دانشگاه عبارتند از آزادی در پژوهش و تحقیق، آزادی در تدریس و

^۱. Spaargaren & Oosterveerm

^۲. Pawlowski

^۳. Rindermann

^۴. Predescu & Darjan

^۵. Bergan & Damian

^۶. Smith

^۷. Bahadur Karki

^۸. Tierney & Lanford

عمل آموزش، آزادی از خودسانسوری، حفظ استقلال عمل سازمانی نهادهای دانشگاهی، آزادی از تلقین و القاء و رعایت حقوق مشروع دانشجویان.

یکی دیگر از ویژگی های شهروندی دانشگاهی اخلاق حرفه ای و آکادمیک است. اخلاق حرفه ای، مجموعه ای از اصول و استانداردهای سلوک بشری است که رفتار افراد و گروهها را تعیین می کند(قراملکی، ۱۳۸۲). یکی از مسائل مهمی که برای پویندگی دانشگاه مطرح است اخلاق آکادمیک است. بورديو معتقد است مهمترین کاری که دانشگاه انجام می دهد شکل بخشیدن هویت تازه ای در فرد تحصیل کرده به نام هویت آکادمیک است. انسان آکادمیک از دیدگاه بورديو انسانی است که منش و ساختمان ذهنی مناسب «کنش آکادمیک» و زیست دانشگاهی در او شکل گرفته باشد(بورديو و پاسرون^۱، ۱۹۹۶). دانشگاهی با این ویژگی ها بایستی نقش فعال در توسعه اجتماعی داشته باشد و راهبر و هدایت کننده فرایند توسعه باشد نه فقط به عنوان نیروی تاثیرگذار بر توسعه. در نگاه نوین به کارکرد و مسئولیت های دانشگاه ها، این نهاد به عنوان حلال مشکلات اجتماعی نیست بلکه باید جامعه را پیرو خود سازد و این دانشگاه است که برای جامعه ماموریت تعریف می کند نه برعکس. در دانشگاه محافظ یا دانش بان وظیفه استاد و دانشجو حفاظت و آموزش برنامه های از قبل تعیین شده است اما در مقابل این اندیشه، دانشگاه دانش زا معتقد به شناسایی مساله و مقابله با واقعیت های پیچیده اجتماعی است... در چنین دانشگاهی نقش کنشگران هم متحول می شود(یمینی دوزی سرخابی، ۱۳۹۷؛ ۱۱۰-۱۱۱).

آنچه در نهایت شکل دهنده ساختار شخصیت، منش و رفتار شهروند دانشگاهی است، نوع آموزش های آن است. این آموزش ها هم در نظام فکری معلم، مربی یا آموزش دهنده نمود پیدا می کند و هم در شکل دادن یادگیرنده(افکار، اندیشه ها، رفتار و پنداره او) تاثیر می گذارد. یک بعد از شهروندی به معنای آموزش یک سری از آداب و رسوم، ارزش ها و اندیشه های خاص به یادگیرنده و افراد اجتماع است. در نظام های تربیتی هم این نوع نگاه به کارکرد نهاد تربیت و همچنین پروسه آموزش وجود دارد. این معنا از شهروندی بسیار با مفهوم «جامعه پذیری» همپوشانی دارد و تنها مبتنی بر ارزش های مرتبط با جامعه پذیری سیاسی است(نوندورف و اسمیتس^۲، ۲۰۱۷). شهروندی در حقیقت آموزش ارزش هایی است که نه تنها منطبق با روحیات انسانی است بلکه برگرفته از فطرت یکسان و روحیات عام انسان بوده و این امر با تلقین و اجبار ارزشی فرق دارد. پارسونز در اندیشه های خود آموزش شهروندی را در قالب واقعیتی مدرنیته با مبنا قراردادن اینکه اصول آموزش شهروندی یک الگوی عام، بی طرف ارزشی، اکتسابی و مبتنی بر قرار دادعرفی و مدنی در جامعه است، تفسیر و به ارائه تصویری از شهروندی بر این مبنا پرداخته است. در مفهوم آزاد اندیشانه از شهروندی، این مفهوم شامل همه ی افراد بزرگسال ساکن خاک یک کشور است. در این مفهوم تفاوت های قومی، ملی، زبانی نادیده گرفته می شود. طبق دکترین بی طرفی حکومت^۳، دولت باید نسبت به مفهوم زندگی

^۱. Bourdieu & Passeron

^۲. Neundorf & Smets

^۳. State neutrality

خوب بین شهروندان بی طرف بماند. در نتیجه حوزه‌ی سیاست از مباحث فرهنگی و هویتی تا حد ممکن، جدا می‌شود و این امر مستلزم رعایت حقوق اقلیت‌ها و زبان و فرهنگ در آموزش آنهاست (محسنی، ۱۳۸۹).

مطالبات چندجانبه شهروندی دانشگاهی (آموزش، تحقیق و خدمات به موسسه، جامعه علمی و عموم مردم) باعث شده است تا اعتبار دانشگاه‌ها را بر اساس این نوع خدمات بسنجند. البته باید اذعان کرد که در یک سیستم دانشگاهی خودگردان و مستقل، منابع مالی خارجی (خارج از دانشگاه) بر اساس این مطالبات اجتماعی از دانشگاه، به سمت این نهاد سرازیر می‌شوند و یا برعکس از ورود این سرمایه‌ها و منابع جلوگیری می‌شود. ارزیابی‌های افراد خارج از دانشگاه که در نهایت ارزش اجتماعی دانشگاه‌ها را تعیین می‌کند، نیز بر همین مینا انجام خواهد شد. بر این اساس و با توجه به یافته‌های تحقیق، دالتهایی را در عرصه برنامه‌ریزی آموزشی می‌توان ارائه کرد: ۱. دانشگاه‌ها در راستای بازنگری برنامه‌های آموزشی خود، راه‌هایی را برای تشویق و کمک به بخش‌های بیرون از دانشگاه (حاکمیتی یا خصوصی) در جهت راهنمایی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در چگونگی مؤثر بودن در زندگی دانشگاهی (به عنوان یک شهروند) و زندگی اجتماعی پیدا کنند؛ ۲. برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌ها شاخص‌های عملکردی خود را به گونه‌ای توسعه داده باشند که شواهدی از پختگی و کیفیت مشارکت‌های شهروندی (فرد دانشگاهی) در جامعه بزرگ‌تر را نمایان سازد. این امر به پذیرش اجتماعی دانشگاه کمک می‌کند؛ ۳. راهکار عمده دیگر برای پاسداشت و انتقال شهروندی دانشگاهی به جامعه بزرگتر، بازنگری در برنامه‌های آموزشی و درسی و ارائه آنها در قالب برگزاری سمینارها و نشست‌های علمی مداوم و تلاش برای دعوت همگانی جهت آشنایی با فرهنگ شهروندی دانشگاهی و تلاش برای انتقال این ارزش‌های مهم در لابلای همین مراودات علمی و فرهنگی اجتماعی است؛ ۴. باید تلاش کرد تا به اقدامات اعضای هیئت علمی که به بالا بردن سطح استانداردهای دانشگاهی کمک می‌کنند به طور مؤثری پاداش داد. این اقدامات حرفه‌ای ممکن است شامل مشارکت در فعالیت‌های خدماتی باشد که طی آن فرد دانش خود را در اختیار جامعه قرار می‌دهد؛ ۵. برنامه‌ریزی آموزشی مبتنی بر نگاه عرضه‌محوری: دانشگاه‌ها باید به طور سیستماتیک تمام برنامه‌ها، تصمیمات و اقدامات دولت را در همه لایه‌های آن، بررسی کنند. این کار باعث می‌شود تا بتوانند ارتباط مؤثر تری با بخش‌های مختلف اجتماع برقرار کنند و جنبه ارتباطی شهروند مؤثر بودن را توسعه دهند.

منابع

- استیونسون، نیک (۱۳۹۲). *شهروندی فرهنگی*، ترجمه افشین خاکباز، تهران: انتشارات تیسرا.
- تیلور، چارلز و دیگران (۱۳۹۲). *چندفرهنگ گرایی؛ بررسی سیاست شناسایی*. تهران: انتشارات رخداد نو.
- جمالی، اختر؛ تقی پورظهیر، علی؛ صالحی، مسلم (۱۳۸۸). رابطه بین عوامل شغلی و سازمانی با رفتار شهروند سازمانی اعضاء هیئت علمی واحدهای منطقه یک دانشگاه آزاد اسلامی به منظور ارائه مدل مناسب. *فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار*، سال سوم، شماره ۲، ۸۷-۱۰۶.
- رزقی شیرسوار، هادی؛ عمویی، عبدالایمان و موسوی، میرمحمد (۱۳۹۵). ارائه مدل ساختاری رابطه هوش معنوی، هوش هیجانی و رفتار شهروندی سازمانی با سازگاری شغلی کارکنان (هیات علمی و غیر هیات علمی) دانشگاه علوم پزشکی بابل. *مدیریت بهداشت و درمان*، ۷(۴)، ۶۴-۵۳.
- رضایی، ایوب؛ یحیی زاده فر، محمود و شیرخدايي، میثم (۱۳۹۲). بررسی تاثیر رفتار شهروندی سازمانی بر عملکرد دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی: مورد مطالعه دانشگاه مازندران. *فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران*، ۵(۲)، ۷۵-۵۱.
- سالاروند، عباس؛ درگاهی، حسین؛ اله دادی، سجاد و گلستا، شهام (۱۳۹۵). رابطه جو سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی در کارکنان ستادی دانشگاه علوم پزشکی تهران. *مدیریت بهداشت و درمان (نظام سلامت)*؛ ۷(۱)، ۵۶-۴۵.
- سلطانی، اصغر و معین آبادی، حسین (۱۳۹۶). رابطه مهارتهای زندگی اجتماعی با مولفه های آموزش سیاسی دانشجویان؛ مطالعه موردی دانشگاه شهید با هنر کرمان. *جامعه شناسی کاربردی*، ۴(۶۸): ۹۵-۱۱۲.
- سلیمانی، سعید؛ باقری، امین و ابوالقاسمی، محمود (۱۳۹۳). ارزیابی وضعیت رفتار شهروندی سازمانی اعضای هیأت علمی دانشگاه تبریز. *نامه آموزش عالی*، ۷(۲۸)، ۷۳-۵۷.
- سلیمی، جمال و عبدی، آرش (۱۳۹۶). مطالعه انگاره‌ها و ادراکات اعضای هیأت علمی از مفهوم آزادی آکادمیک. *مجله آموزش عالی ایران*، سال نهم، شماره سوم، ۸۸-۵۷.
- سهرابی زاده، ساناز؛ باستانی، پیوند و روانگرد، رامین (۱۳۸۹). بررسی عوامل تاثیرگذار بر رفتار شهروندی سازمانی در کارکنان حوزه ستادی دانشگاه علوم پزشکی شیراز. *فصلنامه بیمارستان*، ۹(۲و۱)، ۸۲-۷۵.
- شربتیان، محمد حسن (۱۳۸۷). تاملی بر مبانی فرهنگ شهروندی و ارائه راهکارهایی برای گسترش آن. *فصلنامه فرهنگی-پژوهشی فرهنگ*، شماره ۸ سال دوم: ۷۸-۱۰۲.

- شریفی، اصغر؛ اسلامی، فاطمه (۱۳۹۱). بررسی میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی: مطالعه موردی دانشگاه آزاد اسلامی سمنان. *دو فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی*، سال ۳، شماره ۶، ۱۲۴-۱۰۹.
- شیانی، ملیحه؛ داوودوندی، طاهره (۱۳۸۹). تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان. *فصلنامه برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی*، ۲(۵)، ۶۰-۳۵.
- صمدی میارکلائی، حسین و احمدی، مینا (۱۳۹۵). تبیین عوامل مؤثر بر توسعه رفتار شهروندی سازمانی در نظام آموزش عالی با استفاده از تکنیک دیمتل. *نامه آموزش عالی*، ۹(۳۴)، ۶۶-۴۳.
- عیوضی، محمدرحیم و باب‌گوره، سیدحسام‌الدین (۱۳۹۱). تحول مفهوم شهروندی و ظهور شهروند جهانی. *فصلنامه سیاست/مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۲، شماره ۳، صفحات ۱۸۷-۲۰۵.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۷). *فرهنگ و دانشگاه: منظرهای انسان‌شناسی و مطالعات فرهنگی*. تهران: نشر ثالث.
- فصیحی، ابوالفضل (۱۳۹۵). از شهروندی تک فرهنگی تا شهروندی چندفرهنگی؛ تحول مفهوم شهروندی در فرهنگ لیبرال. *فصلنامه سیاست*، سال سوم، شماره یازدهم؛ ۷۸-۶۷.
- فیضی، طاهره و عمادی، زهرا (۱۳۸۹). ارتباط میان رفتار شهروندی سازمانی و جو سازمانی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. *دوفصلنامه مدیریت و برنامه ریزی در نظام های آموزشی*، ۳(۴)، ۹۸-۱۱۵.
- قلی‌قورچیان، نادر؛ افتخارزاده، سید فرهاد (۱۳۸۵) ارائه مدلی جهت تربیت شهروند حرفه‌ای در نظام آموزش عالی کشور در هزاره سوم. *مجله علمی و پژوهشی اقتصاد و مدیریت*، شماره ۷۰، صص ۸۰-۶۷.
- کلدی، علیرضا؛ پوردهناد، نگار (۱۳۹۱). بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان نسبت به حقوق شهروندی در تهران. *مطالعات شهری*، شماره ۴، ۵۸-۲۹.
- گودرزوند چگینی، مهرداد (۱۳۹۷). رویکرد دانشگاه های نسل چهارم کار و عمل (مورد مطالعه: دانشگاه های کمبریج، استنفورد و هاروارد). *فصلنامه آموزش مهندسی ایران*، دوره ۲۰، شماره ۷۸: ۱-۱۶.
- محسنی، رضاعلی (۱۳۸۹). ابعاد و تحلیل حقوق شهروندی؛ راه کارهایی برای تربیت و آموزش حقوق شهروندی. *فصلنامه مطالعات سیاسی*، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۴۴-۱۱۷.

- معین آبادی، حسین و سلطانی، اسغر (۱۳۹۴). بررسی نقش دانشگاه در بهبود مولفه های تربیت سیاسی: مطالعه موردی دانشگاه باهنر کرمان. *پژوهش نامه علوم سیاسی*، سال یازدهم، شماره اول؛ ۵۷-۹۴.
- مهدی، رضا. (۱۳۹۴). آینده شناسی آموزش عالی: راهبردها و پیامدهای سازگاری دانشگاه با محیط و جامعه. *فراپند مدیریت و توسعه*، ۲۸(۱)، ۳۱-۵۴.
- نبوی، سید عبدالحسین؛ ارشاد، فرهنگ و فاضل، سید حسام الدین (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر احساس شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. *رفاه اجتماعی*، ۱۰(۳۸)، ۸۹-۱۰۳.
- همتی، رضا و احمدی، وکیل (۱۳۹۳). تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت فرهنگ شهروندی و عوامل تعیین‌کننده آن: مطالعه موردی شهر ایوان. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱، ۱۳۹-۱۸۲.
- همتی، رضا؛ کیانپور، مسعود و اصلانی، شهناز (۱۳۹۳). گونه شناسی هویت دانشگاهی و ارتباط آن با منابع درون دانشگاهی هویت یابی. *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، سال چهارم، شماره چهارم، ۵۵۹-۵۸۶.
- یمینی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۹۷). *برنامه ریزی توسعه آموزش عالی (رویکردی کاهنده، موقعیتی پیچیده)*. تهران: انتشارات سمت.
- Arthur, J.G., & Bohlin, K.E. (۲۰۰۵). *Citizenship and higher education: the role of universities in communities and society*. Routledge. <https://doi.org/10.4۳۳۴/۹۷۸۰۲۰۳۴۱۵۹۳۱>.
- Arthur, S. (۲۰۰۵). Searching for a moral North Star during the college years. Arthur, J (۲۰۰۵). *Citizenship and Higher Education: The Role of Universities in Communities and Society*. RoutledgeFalmer. LONDON AND NEW YORK.
- Astin, A.W. (۲۰۰۲). Higher education and the cultivation of citizenship. In D. Allman & M. Beaty (Eds.), *Cultivating citizens* (pp. ۹۱-۱۰۲). Lanham, MD: Lexington Books.
- Bahadur Karki, Chhatra. (۲۰۱۵). *Academic Freedom for Faculty Members and Students: A Case Study of the Faculty of Education at Tribhuvan University in Nepal*. Trykk: Reprosentralen, Universiteteti, Oslo.
- Bergan, S., & Damian, R. (۲۰۱۰). *Higher education for modern societies – Competences and values*. Council of Europe Publishing.

- Bourdieu, P., & Passeron, J.C. (۱۹۹۶). *Reproduction in education, society and cultural*, Beverly hills, CA: sage.
- Chu, Alice (۲۰۰۳) Higher Education Producing Citizen-Scholars. Available at: <http://WWW.Utexas.edu>.
- Creswell, w., & John, M. (۲۰۰۷). *Qualitative Inquiry and research design; choosing among five approaches*, (second Edition). Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Cummings, W. K. (۱۹۹۸). The service university movement in the US: Searching for momentum. *Higher Education*, ۳۵, ۶۹-۹۰.
- Cummings, W. K. (۱۹۹۸). The service university movement in the US: Searching for momentum. *Higher Education*, ۳۵, ۶۹-۹۰.
- Degefa, D. (۲۰۱۵). Social Scientists' Understanding of Academic Freedom in Addis Ababa University, Ethiopia: A Descriptive Analysis. *Higher Education for the Future*, ۲(۱): ۲-۱۸.
- Delanty G. (۱۹۹۷). Models of citizenship: Defining European identity and citizenship. *Citizenship Studies*, ۱:۳, ۲۸۵-۳۰۳.
- Dipuola, M. F & Hoy, W. K.(۲۰۰۵). *Organizational citizenship of Faculty and achievement of high school students*. University of North Carolina Press.
- Ebrahimpour, H. & Zahed, A. & Khaleghkhah, A. & Sepehri, M. B. (۲۰۱۱). A survey relation between organizational culture and organizational citizenship behavior. *Procedia social and behavioral sciences*, Vol.۳۰, pp.۱۹۲-۱۹۲۵.
- Ehtiyar, V. R., Alan, A. A., & Omuris, E. (۲۰۱۰). The role of organizational citizenship behavior on university student's academic success. *Journal of Tourism and Hospitality Management*, ۱۶, ۴۷-۶۱.
- Gore, J. S., Davis, T., Spaeth, G., Bauer, A., Loveland, J. M., & Palmer, J. F. (۲۰۱۴). Subjective well-being predictors of academic citizenship behaviors. *Psychological Studies*, ۵۹, ۲۹۹-۳۰۸.
- Haigh. M.(۲۰۰۸). Internationalization, planetary citizenship and Higher Education *Inc. Compare*, ۳۸(۴), ۴۲۷-۴۴۰.
- Inelmen, K., Selekler-Goksen, N. and Yildirim-Öktem. (۲۰۱۷), "Understanding citizenship behavior of academics in American- vs

Continental European-modeled universities in Turkey", *Personnel Review*, ۴۶(۶), ۱۱۴۲-۱۱۶۴. doi.org/۱۰.۱۱۰۸/PR--۰۶-۲۰۱۵-۰۱۸۲.

- Kahne, J., Westheimer, J., & Rogers, B. (۲۰۰۴). Service Learning and Citizenship in Higher Education. *Michigan Journal of Community Service Learning* (fall): ۴۲-۵۱.
- Macfarlane, B. (۲۰۰۷). *The Academic citizen: The virtue of service in university life*. London: Routledge.
- Macfarlane., B. (۲۰۰۸). Defining and Rewarding Academic Citizenship: The implications for university promotions policy. *Journal of Higher Education Policy and Management*. Vol. ۲۹, No. ۳, November ۲۰۰۷, pp. ۲۶۱-۲۷۳.
- Menthe, J. (۲۰۱۲). Education for democratic citizenship. *Schools, Curriculum and Civic Education for Building Democratic Citizens*, M. Print and D. Lange (Eds.), ۷۳-۷۸.
- Neundorf, A & Smets, K. (۲۰۱۷). *Political Socialization and the Making of Citizens*. PRINTED FROM OXFORD HANDBOOKS ONLINE (www.oxfordhandbooks.com). (c) Oxford University Press, ۲۰۱۵. All Rights Reserved
- Pattie, C. J., Seyd, P., & Whiteley, P. (۲۰۰۴). *Citizenship in Britain: Values, participation and democracy*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Pawlowski, K. (۲۰۰۹). The 'Fourth Generation University' as a Creator of the Local and Regional Development. *Higher Education in Europe*, Vol. ۳۴, No. ۱.۸۸-۱۱۲.
- Predescu, M., & Darjan, I. (۲۰۱۰). Promoting Political Participation through Adult Education. *Procedia Social and Behavioral Sciences* ۲, ۳۲۴۱-۳۲۴۵.
- Rindermann, H. (۲۰۰۸). Relevance of Education and Intelligence for the Politic Development of Nations: Democracy, Rule of Law and Political Liberty. *Intelligence*, ۳۶, ۳۰۶-۳۲۲.
- Schattle, H. (۲۰۰۸). Education for global citizenship: Illustrations of ideological pluralism and adaptation. *Journal of Political Ideologies*, ۱۳(۱), ۷۳-۹۴.

- Shils, E. (۱۹۹۷). *The calling of education: The academic ethic and other essays on higher education*. Chicago: University of Chicago Press.
- Smith, D.G. (۲۰۰۹). *Achieving Diversity's Promise for Higher Education: Making It Work*. Johns Hopkins Press, Baltimore, MD.
- Spaargaren, G., & Oosterveerm P.(۲۰۱۰). Citizen-Consumers as Agents of Change in Globalizing Modernity: The Case of Sustainable Consumption. *Sustainability*, ۲, ۱۸۸۷-۱۹۰۸; doi:۱۰.۳۳۹۰/su۲۰۷۱۸۸۷.
- Stephens, A, P. (۲۰۰۴). *A Move Toward Academic Citizenship: Reading Emotion in the Narrative Structures of Part tie Faculty*. Wpa: Writing Program Administration, Vol.۲۷, No.۳.
- Stephens, A., P. (۲۰۰۴). A Move toward "Academic Citizenship: Reading Emotion in the Narrative Structures of Part-Time Faculty. *WPA(Writing Program Administration)*, ۲۷(۳): ۳۵-۵۱.
- Taavoni Ghilan, M. (۲۰۱۲). *Investigating the Effect of Organizational Citizenship Behavior on the Productivity of Manpower in the National Oil Products Distribution Company-East Azerbaijan Region*, M.A.Thesis. (In Persian)
- Talcott, W. (۲۰۰۵). *Modern Universities, Absent Citizenship? Historical Perspectives*. CIRCLE Working Paper ۳۹.
- Thampson, P., Constantineau, P., & Falls, G. (۲۰۰۵). Academic citizenship: An academic colleagues working paper. *Journal of Academic Ethics*, ۳: ۱۲۷- ۱۴۲. DOI: ۱۰.۱۰۰۷/s۱۰۸۰۵-۰۰۶-۹۰۱۰-۸.
- Tierney, William G., Lanford, Michael. (۲۰۱۴). The Question of Academic Freedom: Universal Right or Relative Term. *Front. Educ. China*, ۹(۱): ۴-۲۳.
- Ueda, Y., & Nojima, M. (۲۰۱۲). Effect of Student Attitudes on University Loyalty and University Cooperation, as Citizenship Behaviors: An Empirical Study in Japan. *International Journal of Management*, ۲۹(۱).
- Ueda, Y., & Yoshimura, A. (۲۰۱۰). University Citizenship Behavior in Class: The Effect of Professor's Lecture Justice on Students' Diligence. *Review of Asian and Pacific Studies*, No.۳۶.
- Ueda, Y., & Yoshimura, A. (۲۰۱۱). University Citizenship Behavior in Class: The Effect of Professor's Lecture Justice on Students' Diligence. *Review of Asian and Pacific Studies*, N.۳۶, ۹۹-۸۷.

- U-thaiwat, P., Supparerkchaisakul, N., Mohan, K., P., & Fansler, K. (۲۰۱۷). Developing a Scale for University Citizenship Behavior: Thai and U.S. Academic Contexts. *International Journal of Behavioral Science*, ۱۲(۲), ۷۱-۸۹.
- Fong, V. (۲۰۱۱). *Paradise redefined: Transnational Chinese students and the quest for flexible citizenship in the developed world*. Palo Alto, CA: Stanford University Press.

A Study of the Concept and Dimensions of Academic Citizenship in Iranian Higher Education System; Implications in Educational Planning

Lotfollah Saedmocheshi^۱, Jamal Salimi^۲, Nematollah Azizi^۳

ABSTRACT

The purpose of this research is to study the concept, dimensions and instances of academic citizenship in Iranian higher education system. The research has used qualitative strategy and it has been done with interpretive phenomenological method. The research participants included ۳۴ professors and students (different sections) in the universities of Tehran, Allameh Tabatabai, Kurdistan, and Bu Ali Sina University, who were targeted (in a variety of disciplines and specialties, as well as Different levels of education were selected in that sample). And the data collection process continued until theoretical saturation and data were collected using semi-structured interview tools. Data validation has been done using the triangulation method. The data were analyzed by thematic analysis using MAXQDA qualitative analysis software. The results of the study consisted of five descriptive categories: Academic Citizenship Skills (Social-behavioral; Scientific-Technical and Political-Participatory), Academic Citizenship Concept (Graduate Citizen; Scientist Citizen; Multicultural Academic Citizenship; Academic Citizenship as a Political category; Legal-rightful citizenship; Cultural citizenship and Academic citizenship based on supply and demand mechanisms), Dimensions and components of academic citizenship (Academic freedom; Professional and academic ethics; Implementation of active university role; Right to social participation and leadership; Transfer of scientific identity), academic citizenship education (single value education And education based on value neutrality) and aspects of academic citizenship (maintaining and promoting citizenship-generating capital; academic citizenship rights and academic citizenship responsibilities).

Keywords: Academic Citizenship, Citizenship Education, Academic staff and Students, Educational planning if Iranian Higher Education System

^۱. PhD Student in Higher Education Development Planning, University of Kurdistan

^۲. Associate Profesor, Deptmt of Education, Univerdity of Kurdistan

^۳. Profesor, Deptmt of Education, Univerdity of Kurdistan